

مباحث ایدئولوژیک  
- شعری از طاهره صفارزاده  
- دعوت سرمایه‌دازان!  
کار و کارگران  
- حلال آل احمد  
- دکتر محمد نجش



وَلَا تَحْزَبُنَا كَمَا تَحْزَبُنَا سِوَا النِّبِيِّ سَلَّمَ عَلَيْنَا فِي الْبُكُوْرِ الرَّسُولِ عَلَيْنَا سَلَّمَ

عشق به رعیت

بیوسته قلبت را از مهر رعیت آکنده و بسا لطف و محبت ورزیدن به آنان مالمال کن. زنهار نسبت به مردم همچون جانوران درنده‌ای که برای خوردنشان دنبال فرصت میگردند، مباح. چه، آنان بر دو دسته‌اند: یا برادر دینیت بشمار میروند و یا اینکه در آفرینش همانند تو هستند.

نهج البلاغه علی (ع)

# به تندی ابودر و به برندگی شمشیر مالک اشتر

## امام درسوگ برادر

## آخرین پیام میثاق با شهدا



# پدر دیگر در میان ما نیست..!

اما... صفحه ۶

تعبیری بهتر از این نمی شد، ارائه داد. در دو کلام امام شخصیت مردی را ترسیم کرد که مرگش - نه بگوئیم شهادتش - ضربه‌ای سهمگین و کج‌کننده بر قلب و روح خلقی دردمند وارد کرد. میلیونها انسان سراسیمه چشم از خواب صحگاهی گشودند و از تکان حادثه و عظمت فاجعه، حیرت‌زده، با ناباوری به صدای لرزان گوینده رادبوگوش می دادند - آیا درست می شنیدند که پناه و یاور خود را از دست داده‌اند، و چند لحظه بعد که خبر تکرار می شود، و در درستی آن شک نمی توان کرد از درد و اندوه خود می پیچند، قلبشان فشرده می شود، بغض در گلوها، گلوله می شود و راه بر تنفس می گیرد. خدایا! می شود یاور کرد که طالقانی، آن مرد بزرگ، آن همیشه مبارز، آن شورش، آن مجاهد کبیر، دیگر زنده نباشد. سرانجام بغضها می ترکند و ناله

می شوند و ناله‌ها بهم می پیوندند - و نیز آدمها از درون کوجهها بسوی خیابانها سرازیر و چون سیل خروشان سراسیمه، گریان، فریادزنان، بسوی دانشگاه هجوم می برند، آنجا که جسد پدر، معلم و رهبرشان اکنون آرام و فارغ از آنهمه غوغا، مهابهتی که در تمامی سالهای عمرش یک لحظه او را تنها نگذاشتند در پناه رحمت خدا و محبوس آرمیده است. طالقانی که بود، و چرا تا این اندازه محبوب توده‌هاست او چه کرد که تا این حد مرگش دردآور و کشنده است. او مبارزی بود آشتی ناپذیر، مبارزی بی‌بوسه علیه ظلم، علیه زورگویی و علیه فساد، از زمانی که خود را درمی یابد با

بسم اللہ الرحمن الرحیم انالله وانا الیه راجعون و منہم و من قضی نحبه و منہم من ینتظر عمر طولانی این عمیر را دارد که هر روز عزیزی را از دست میدهد و به سوگ شخصیتی می نشیند و در غم برادری فرو میرود مجاهد عظیم - الشان و برادر بسیار عزیز حضرت حجت - الاسلام والمسلمین آقای طالقانی از بین ما رفت و به ادبیت پیوست و به ملاء علا با اجداد کرامش محشور شد. برای آن بزرگوار سعادت و راحت و برای ما وامت ما تأسف و تأثر و اندوه. آقای طالقانی یک عمودر جہاد و روشنگری و ارشاد گذراند او یک شخصیتی بود که از حسی به حس و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و

بقیه در صفحه ۵

# «غیر متعهدهای متعهد»

- یکی از اصولی که کشورهای غیر متعهد ملزم به اجرای آن هستند، اصل ضد امپریالیستی - استعماری و نژاد پرستی می باشد. اما تا بحال جقدر موفق به اجرای این مهم شده اند...!

پس از پایان جنگ جهانی دوم و سرکرده شدن امپریالیسم امریکا و نفوذ روسیه و سلطه اش بر اقطارش، تضادهای بین این دو اوج گرفت و بسود قطب رقیب تبدیل شدند. در طی این حرکت هر کدام سعی بر غارت هر چه بیشتر منافع کشورهای کوچک و افزایش قدرت خود در مقابل رقیب را داشتند و در این رابطه کشورهای عقب نگه داشته شده را زیر چتر اقتصادی سیاسی و پناهندگی خود قرار دارند. از طرف دیگر بعضی از کشورهای «جهان سوم» برای فائق آمدن بر مشکلات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و گریز از زیر سلطه ناخواسته این دو ابر قدرت امید به سازمان ملل بستند اما از آنجایی که سازمان ملل مانند هر تشکل جهانی دیگر در مقابل خط منحنی تجاوز کارانه ابر قدرتها کاری از پیش نمی برد، نتوانست بخواست حق این کشورها جوابی گوید. ناچار بعضی از کشورها در صدد یافتن راه حل دیگری شدند. به همین منظور «تیتو»

تیتو با این بدعت که طرح سیاست «عدم تعهد» بود میبایست مورد تهاجم دو ابر قدرت قرار گیرد، چه او خواستار استقلال بمعنای واقعی بود ولی بسا حملات استالین که او را خائن به انقلاب پروتلتاریا دانسته بود روبرو شد. به او اتهام بستند که بسا جدادندش از جبهه «سوسیالیسم» آب به آسیاب «امپریالیسم» میریزد. بهر حال تیتو در مقابل این تبلیغات ایستادگی کرد و زیر بار حملات روسیه نرفت.

بقیه در صفحه ۷

# شہیدان پیام دادند... وارتان پیام چه کسانیند..!

این رسالت مهم را به انجام رساندیم؟ پیام شهیدان چه بود - خوشبختانه هنوز صدای آنها در فضای وطن ما در خیابانها و معابر و در گورستانها و بیمارستانها و در میادین و مساجد طنین انداز است - هنوز کسانی که آخرین شعارها را از لبهای لرزان برادر و خواهر شهید با تمام وجود با قلبهای مالمال از خون و اندوه ضبط می کردند و بسا چشمهای اشکبار پرخروش آنها می بلعیدند، آساده گواهی دادن هستند، هنوز دستهای تطاول گر تاریخ رسمی فرصت نیافته اند تا در گزارشهای رسمی خود از انقلاب ایران، تنها به ذکر نامها، عنوانها، شخصیت‌های بزرگ و رهبران و بخصوص وارثان

بقیه در صفحه ۲

یکسال از مقاومت خونین ۱۷ شهریور گذشت، بهداز آن جمعه سرخ شهادت، دشمن به این حقیقت پی برد که کارش ساخته است و در هم شکستن مقاومت خلق مسلمان ایران از توانائی او خارج می باشد، احسان عجز و درماندگی در تمام اقدامات رژیم پنجم می خورد کسانی که روز بهداز کشتار توسط ساواک با فرمانداری نظامی بازداشت شدند. آثار ضعف را در رفتار بازجویان ساواک و رؤسای دست‌اول آنها بخوبی می دیدند - از این رو بدون هیچ تردیدی خون شهیدان و فدائیکاری و مقاومت خلق مستضعف و رزمنده ما عامل اصلی پیروزی انقلاب و شکست دشمن در چند ماه بعد از جمعه سرخ بود این روزها نام شهیدان، همه جا، ورد پناه است و از آنها بهدلیری و پاکی، فداکاری و جانپنازی، ایمان و صداقت یاد می شود - حماسه فرزندان شهید خلق از جانب همه کس، از دولت تا ملت، احزاب تا بلندگوهای تبلیغاتی و وسایل ارتباط جمعی، ستایش می شود ولی مسفوردند کسانی که پیام شهیدان را بازگو کنند و خواست و آرزوی همه چیزهای بزرگ و عزیزی را که بخاطرش به استقبال گلوله‌ها فتافتند و براسفالت خیابانها و کوچه‌ها بسا خون پاک خویش نقش انقلاب سرخ کشیدند، مطرح کنند آیا موقع آن نرسیده است که وارثان شهیدان، یک از زبانی از مسئولیت خود در برابر خونهایی که برای نهای انقلاب ریخته شد، جانانهائی که بسرای پیروزی پرداخت گردید، بعمل آورند همه اعتراف می کنیم که شهیدان ما بطرزی با شکوه و بی نظیر و در اوج زیبایی و کمال رسالت خود را در برابر انقلاب انجام دادند، یک چهره انقلاب را که خون باشد با شهادت خویش بخوبی ترسیم و تکمیل کردند - آیا ما که خود را پیام‌آور شهیدان و ادامه‌دهنده راه آنها می شماریم، چه کردیم، چهره دوم انقلاب یعنی پیام را بخوبی و در کمال صداقت ترسیم کردیم و

# انقلاب فرهنگی ضرورت تداوم انقلاب

مسئله فرهنگ است و در حقیقت یکی از ویژگی‌های انقلاب این است که مردم با بازگشت به «خویششان اصلی خویش» جایگاه و ارزش انسانی خاص خود را می یابند و این بازگشت آنچنان نیروی عظیمی را در جامعه ایجاد میکند که می تواند بزرگترین لطامت و خسارات را بر پیکر ظلم و فساد و تباهی و... وارد آورد. چیزی که بعد از هر انقلاب حائز اهمیت است رشد و تداوم انقلاب فرهنگی است و اهمیت این مسئله بقدری است که میتوان توفیق و ایستائی در رشد فرهنگی را بسنایه به انحراف و کجراه کشیده شدن انقلاب تلقی کرد. فرهنگ پدیده‌ای است که تحت شرایط محیطی تاریخی و اجتماعی از دل توده‌ها می جوشد و شکل می گیرد و بیوه میدهد و در متن جامعه عمل میکند و این در واقع یکی از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی است که هرگز منکف از متن زندگی توده‌ها نبوده است. برخلاف فرهنگ غربی که در متن زندگی جاری نمیشود و جدا از

آن وسیله نفع است، هر جزئی از نظام فرهنگی اسلامی با زندگی مردم پیوستگی تام دارد. آموزش یا تعلیم و تربیت بعنوان بخشی از فرهنگ زائده نیست که در کنار جامعه مصرف کننده باشد و بسا جذب مستعدترین نیروهای جوان و مصرف نیروها و امکانات اقتصادی فراوان حول محور مصرف بچرخد، یعنی بسا تربیت تکنوکرات و بورکرات در خدمت نظام بوروکراتیک قرار گرفته و زمینه را برای ورود فرهنگ و اندیشه و اقتصاد بیگانه هموار نماید و انسان را آنچنان در زیر چرخهای خود خرد کند که قدرت سر بلند کردن و نفس کشیدن نداشته باشد و ریشه‌های تعهد و مسئولیت را در فرد به ناپاوی و اضمحلال کند. اما آموزش و پرورش اسلامی یک نظام تولید کننده و پویاست. یعنی در این نظام معلم و حقوقدان و... هرگز از این حرفه‌ها بعنوان یک وسیله برای امرار معاش استفاده نمیکند. بلکه فرد

بقیه در صفحه ۶

# پیام طالقانی شهادت است و شورا

نماز جمعه هفته گذشته ایتبار به خاطر زنده کردن خاطره شهدای به خون خفته هفته شهریور در بهشت، زهرا به امامت آیت الله طالقانی انجام گرفت. در این مراسم که از عظمت و شکوه خاصی برخوردار بود آیت الله طالقانی ضمن تجلیل از شهدا با خواندن دو خطبه به بررسی مسائل روز پرداختند. آیت الله طالقانی در خطبه اول خود طی سخنانی گفتند: در منطق انبیاء، قرآن مسئله مرگ بخصوص برای انسانهای مجاهد و پیشرو و شهیداء حل شده است. در این آیه قرآن با صراحت و قاطعیت میگوید در ساراه کسانی که در راه خدا کشته شده اند کلمه مرگ را بردارید نگویید اینها مرده اند بلکه اینها زنده هستند و لکن بیشتر مردم و شما چنین استعاری ندارید. این راهی است که انبیاء باز کردند و دیوار بین این زندگی و زندگی آخرت را برداشتنند و این راز برای انسانها کشودند. این مرگ نیست تحول است. از زندگی به زندگی دیگر از رحم طبیعت به فضای بزرگ و وسیع و عالی الهی، این راه خداست... راه خدا همین است راه نجات خلقهاست راه انسانهاست. آیت الله افزودند اگر انسان گوشه‌ای بنشیند و در افکار و در اندیشه و خیالات خود فرو برود و تنها تسبیح بگوید این از نظر اسلام منشاء تقرب به خدا نیست چه بسا کسانی که در گوشه‌ای نشسته و بزبان، سجالات الله میگویند و درونشان اندیشه‌های خودآلودگی و شسته‌های شیطنانی است چه بسا انسانی که الله اکبر می گوید ولی مال و ثروت و قدرت طلبی و شهوات را بسزگرتر از هر چیز میدانند...

آیت الله طالقانی افزودند: شهدا چنین هستند، شهدا دائماً الهام بخش هستند، شهدا در قلوب مردم زنده اند شهدا در نزد خدا زنده هستند. این تحول و این انقلاب شهادت که یک انسان آورده و ساقط را یک مرتبه بسلا میبرد این خاصیت شهادت است...

آیت الله طالقانی بزرگ - مجاهد ستوه - مبلغ و آموزگار و سفر قرآن - آنکه کتاب را از تنهایی بزرگ - در مین ما خارج ساخت - کسیکه آنرا بسیمان خلق باز گردانید - آنکسی که چون بمنبع نور - قرآن خدا رسید در آن سرچشمه نور و روشنائی - روان و دیداراش را شستند داد - تنها دست خالی باز نگشت پرتوی از آن منبع معرفت و زندگی بر کالبد مرده ما دمید و جان و حیات تازه بخشید - ما همه از آن پرتو نیرو گرفتیم. تولدی تازه یافتیم. او برای ما مظهر تقوا و صداقت - شهامت و ایثار بود - او برای ما نمونه اعلائی عشق به آرمانهای انسانی - آزادی و عدل و به تازگی خودش - قسط بود. با تمام وجود برای آزادی انسانها و حاکمیت توحیدی پیکار می کرد و بیش از هر کس از نامردمی‌ها - عدم صداقتها رنج میرد. از هر جا می ماندیم به او پناه می بردیم تا بس سخنان گرم و امیدبخش و با آیات حیات بخش قرآن که میخواند دلگرمیمان دهد - به ادامه راه - به استقامت تشویقمان

بقیه در صفحه ۸

### به تندی ابودر و...

روبرو می بیند . اکنون طالقانی نستسته بر کنار چشمه رموز قرآن شععیاً برمی افروزد و با گامیهای استوار بجانب مردم می شتابد بهر در می زند و بهر کجا سر می کند - قلبیهای افسرده و بیحرکت را نور و حرکت می بخشد، پای صحبت او جوانیها حلقه می زند و هنگامی که آغاز به سخن می کند، همه مجذوب و مفتون - بکسره چشم و گوش می شوند - با جان شور و حرارتی حرف می زند که هیچکس تاب مقاومت نمی آورد - کلام چون گویهای آتش از دهان خارج می گردد و مستقیم بر برده ذهن و دل نفوذ می کند.

در مسجد هدایت آتشی برمی افروزد ، بر تراز قرآن سوی قلبیها و جانها برون می افکند - بخیای وجود انسانیهای دردمند و مشتاق - در گرمی آموزشها و سخنان وی تدریجاً ذوب می گردند - لغزنده براه می افتند ، خواب از چشمها برمی گردند - دستپا و پاها آزاد می شوند - مسئولیتها و وجدانها بیدار می گردند .

سالیها بعد از جنگ دوم و فرار رضاشاه است - مردم در تب و تاب کسب آزادی و عدالتاند ، و مشعل برای هدایت و مبارزه می خواهند ، اما قرآن و قرآن بدست ها ، همه خاموشاند - در این سو کسی نیست تا نیاز خلق را پاسخ دهد و آنان را از سرچشمه هدایت و روشنائی سیراب کند - طالقانی مردانه در میان سکوت همگان قد می افراشد - سنت شکنی می کند و قرآن را بمیان مردم و مسجد و کلاس درس می آورد .

#### طالقانی معلم کبیر قرآن

اما طالقانی آموزگار بیروح قرآن نیست - در رده اسلام شناسان جنت مکان و محققان عالیقدر! قرار ندارد ، از آنها نیست که در کتابهای خود مدفون شود - یا علم را وسیله کسب شخصیت علمی کند . از آنها نیست که "می گویند آنچه را انجام نمی دهند" از آنها نیست که در پی کسب حقایق سی سال خویشتر از در حجره ها و کتابخانه ها زندانی می کنند و سرانجام به اندازه قلبی نور برای مردم به ارمغان نمی آورند . او موسی است که پیامبرانه چون خود به روشنائی می رسد ، قبل از هرکس در اندیشه یاران است - مشعل برمی افروزد و بسوی خلق بازمی گردد او فرزند خلق است و با دردها و رنجهای مستضعفان آشنا است . همیشه با آنها زندگی کرده است - و دم خور بوده است . خصلتیهای مردمی وی همه را مجذوب می ساخت . و بالاتر از آن تقوی و صداقت بی ریبی و یاکلی قلب ، و صفای روح اوست که در برابرش مقاومت نمی توان کرد .

وقتی مردی از مستضعفان به تقوی رسد و با شمشیر کلام وحی مسلح گردد ابودر می شود - مظهر مقاومت و ایستادگی و سمبل ستیزه خوئی و نفرت از ظلم و زورگویی بود . مبارزی بود سازش ناپذیر - بی پروا و شجاع ، چون کوه در برابر سختیها و ناملاهیات استوار - در برابر جلاخان دشمن ، ابودروار سخن می گفت بر آنها می تاخت ، تحقیرشان می کرد و از سر غرور

و عزت نفس سخن می گفت با روحی آرام و مطمئن - توهین هائشان را می شنید و در سخت ترین شرایط و تیره ترین ایام با ایمان به سنتیهای خدا ، برامید ، بر توان و بر نشاط باقی می ماند -

همان اندازه که در برابر جباران و جلاخان مباحم و گستاخ و برغرور و با عزت بود - در برابر خلق و مستضعفان و ززمندگان راستین راه حق ، فروتن ، بردبار ، بر تحمل ، آسان گیر ، مهربان ، دوست ، پدر ، برادر ، مشفق و ندیم و رحیم بود - در کنارش احساس اطمینان می کردی - پس از ساعتی گوش دادن به سخنانش بر بارش که از داستان و عبرت ها از آیات و حکمتها سرشار و غنی بود ، لبریز از امید و اطمینان ، جان تازه می یافتی . هرگاه نامردمیها ، مشکلات ، نفاق و جنددستیها ، دوروئیها و تزویر و ربا دلت را بدردی می آورد و روح را می رنجاند و قلبت را می فشرد - تنها او بود که می توانست زنگار از دلت بزاید با کلام وحی و سخنان پر مهر و صادقانه اش - به ادامه راه و به آینده روشن امیدوار گرداند - او مبارزه و بیکار - مقاومت و ایستادگی ، تقوی و خلوص ، صداقت و پاکی را در تمام وجود در تمام رفتار و در همه ابعاد زندگی داشت و آنگونه که بود زندگی می کرد - همیشه خودش بود - وجودش رسواکننده تزویر و باطل کننده طلسم نفاق و ربا بود - عاشقانه برای مردم دل می سوزاند و برای آزادیان از جان مایه می گذاشت - هروقت از دوروئیها سخت در رنج بود - ارزش صفای روح توده ها را درک می کرد - می گفت ترجیح می دهم نماز را همیشه در

بهشت زهرا بخوانم چرا که از های و هوی و قبل و قال و نق نقها و خود خواهیها و خود بینیهای بسیاری از بلانشین ها ، تحصیل کرده ها ، و به اصطلاح روشنفکران در عذابیم . این اواخر سخت رنج می کشید در فشار غیر قابل تحملی بود . مسئولیتی سنگین بر سینهاش فشار می آورد - در تنگنای دشواری قرار گرفته بود - از همه سو درد مندان ، شاکیان ، او را جستجو می کردند از او باری می خواستند و راهنمایی می طلبیدند - از ظرفیت تحمل جبهه نحیف و شکنجه دیده او بیشتر بود . سالیها زندان و شکنجه و تبعید جسمش را بیمار و رنجور ساخته بود .

#### روح بزرگ طالقانی رنج می برد

اما آنچه او را از پای در آورد شکنجه روحی بود که می دید و تحمل می کرد . خود را در برابر ملت ، انقلاب ، تاریخ و بالاتر از آن قرآن و پیامبر مسئول می دید - او به سرنوشت اسلام و مردم می اندیشید ، آثار نگرانی در سیمایش در چشمهای نافذ و پرفروغش دیده می شد او زا خسته کردند ، می گفت زیاد می آیند اما کمتر گوش می دهند . می گفت هدف را که اسلام و مردم اند دارند فدای وسیله که قدرت است می کنند - برای حل دشواریهای انقلاب ، با جان می کوشید - راه و چاره نشان می داد - ولی کسانی که کار بدست داشتند - گوش شنوا نداشتند . می گفتیم همه به شما اعتماد دارند و حرفتان را گوش می دهند ، زهر خندی می زد و می گفت بلی حرفم را می شنوید اما عمل نمی کنید . همه کار خودشان را می کنند - از اتحاد ،

### شهادت پیام دادند...

انقلاب نام بیرتد و فرزندان بی نام و نشان خلق - سازندگان حقیقی تاریخ ، توده های مستضعف - یازوان راستین انقلاب ، شهدای گمنام ، حاملین رسالت انبیا و گردانندگان چرخ های سنگین تکامل و نشان زبردست سیمای انسانیت در صفحه زندگی ، را از سر فرصت طلبی و بمنظور خدمت بزرگان قوم ، و رؤسا و زعمای کارگردانان و دیوان سالاران و صاحبان نام و عنوان و مقام ، آنها که اسم و رسمشان و مقام و منصبشان چشمها را خیره می سازد و صفحات روزنامه ها و تاریخ ها را بر می کند - در سبدهای اشغال دفن کنند - هنوز فرصت نیافته اند که همه افتخارات و پیروزیها و حماسه ها که توده های محروم و با برهنه ، آفرینند ، بصورت نشان و مدال و درجه و عنوان پر سینه های رجال نامدار و با اسامی دهان برکن بچسباندند و بر کرسی افتخار و سروری و زعامت بنشانند و قلمها و دهانها و بلندگوها همه در تحسین آنها بکار افتد که اگر شما نبودید اگر شهامت ، و وراثت ، اعجاز ، بزرگی دانش شما نبود اگر اندیشه های سرگرم و داهیهات شما نبود طاعوت شکست نمی خورد و ملت و رعیت از قید بندگی نجات نمی یافت .

نگران نباشید هنوز دیر نشده و چشمهای تیزبین از هم اکنون حرکت آرام قلم مورخین سناخوان را می بینید که برای مسخ تاریخ و قلب هفتاد بکار افتد و این ستم گری همیشه تاریخ نویسان دگر بار ، تکرار شود - قهرمانان اصلی تاریخ در چاه ویل فراموشی ذهن و میراث فداکارها و خلافت آنها دوستی تقدیم بزرگان صاحب اسم و رسم گردد .

اگر پیام شهیدان تحقق می یافت ، فاجعه کردستان پیش نمی آمد . آیا ما که خود را پیام آور شهیدان و ادامه دهنده راه آنان می شماریم . چه کردیم ، چهره دوم انقلاب یعنی پیام را بخوبی و در کمال صداقت ترسیم کردیم و این رسالت مهم را به انجام رساندیم... در طول تاریخ جنایات زیادی بر ما کشاورزان روا داشته اند

از هم اکنون بخوبی بیدار است که کمک فراموش می کنند چه کسانی تیر را در دست بر قلب دشمن نشانه می رفتند چه کسانی درس مقاومت می دادند و خرد مظهر آشتی ناپذیری و مبارزه و جهاد بودند - چه کسانی ، دشمن را با دیرری ، اعتصاب ، با تحمل گرسنگی و تریکی و سرما و با تلاش شبانه روزی با شهنشاده داری ، با فریاد ، با خاموشی ، با شعار و با

از شورا ، حرف می زد ولی کمتر کسی ایندو را دنبال می کرد . در برابر ملتی که به او اعتماد کرده بود سخت احساس مسئولیت می نمود اما دستپا را بسته و امکانات عمل را محدود و مسدود می دید . همین امر رنجش می داد - آخر سفره دل در برابر خلق مستضعف باز کرد . با آنها سخن گفت و در آخرین پیامش در بهشت زهرا با مردمی سخن گفت که معتقد بود فقط آنها گوش شنوا و دل حقیقت جو دارند . آری مستضعفان که مظهر صداقت ، مقاومت اندوه و دلسوزترین ، یار او بودند و دوستدارش و ادامه دهنده راهش - که دیگران با همه تظاهری که به طرفداری و تبعیت و وفاداری به او می کردند و می کنند او را برای خود می خواستند و می خواهند . و درد ناک ، که وی بر این حقیقت آگاهی داشت - می گفت مرا و سخنان مرا فقط برای خود می خواهند - هرچه بسودشان است می گیرند و همان مقدار و نه بیشتر . چه بگویم که توان گفتنم و نوشتنم نیست ، هرچه بنویسم قطره ای از دریای عظمت روح او را یاری معرفی کردن نیست - عزیزان ، پدر ، برادر - یار و پناهمان و معلم و سرور و رهبران را از دست داده ایم - سخن گفتن چه فایده بهتر است ببیندیشیم - که چه باید بکنیم - آری بعد از او چه باید کرد؟ والسلام

### بقیه از صفحه ۱

زمره لاله الاالله ، با خشم و پرتاب کردن سنگ و گلوله و بسا سیر کردن سینه ها و خوابیدن جلوی تانکها ، گفتن مرگ بر شاه و نسا بود ساد سلطنت و برقرار باد جمهوری اسلامی و بسا گل دادن به برادر سر باز - با نسب گری تکبیر و پخش نوار و اعلامیه و تشکیل جلسات مخفی و علنی ، افشاکری در خفا و در صلاه ، بسا ساختن سنگر و باروت ، کسوتکل و سهرامی ، با دادن خون و هدیه شیر و نان و غذا ، با پناه دادن سر باز ، فراری و مخفی کردن مسجروح و پخشیدن لباس و ملاقه و سر زدن بهر دار خانه ، برای دارو و پاند و خون ۵۰ ممتفی ، با تحمل مامها تعطیل مغازه و بیکاری و پردباری و صبر انقلابی ، با تعاون و همدردی ، هر یک مثل اعلای یک مجاهد راستین صدر اسلام از طراز انسانهای در اوج که بسحق شایسته نام اولیاء الله اند - آری تدریجاً نام ایشان و قصه معماران حقیقی تاریخ و دهقانان درخت انقلاب - از صحنه ها صحنه ها حذف خواهد شد و اسم و ذکر و یاد کسانی با آب طلا و حروف زیبا سرصفحات و تذهیب شده کتابهای خطور و اعلا و در مجامع رسمی و کتب درسی مدارس و جشن های سالگردها ، تکرار و بیت و با تجلیل و مدح و نثار برده خواهد شد که آن ایام خونبار و پر رنج و درد و اسیر درد چنگال ترس و مرگ یا در صحنه نبودند یا فقط در حاشیه به تماننا مغفول به آرامش دعوت می کردند یا به سازش ، از اعتصاب خسته و از بی ساسکی و سرسختی ، خلق معلول از قدرت و شکست ناپذیری خصم و از ناتوانی و خالی بودن دستهای خلق ، دم می زدند نگران از تشدید محاصره و بالا گرفتن

از شوری و آغاز جنگ مسلحانه و ترسناک از افزایش خشم طغوت و اربابان بر فقر فق ، مبارزان را نصیحت که آرام بگیرند ، تند روی بکنند مردم از اعتصاب خسته اند و دود این کارها میباید فقط بچشم دشمن نمی رود . بسیاری تا پیش از آنکه آفتاب پیروزی از افق آزادی سرزند ، از موضع عاقبت طلبی و سکوت بی تفاوتی از بجنهای اسکولاستیک خارج نشدند . و جوانان را در محافل درسی و نشستهای امن و آرام خود پسر هیز از مسائل سیاسی و سرگرم شدن به مباحثات کلاسی و فلسفی دعوت کردند و عادت دادند ، فشار فرزندان خلق و دیسوارها و قفسهای زندانهای رژیم را در هم می شکست و فریاد لاله های سرخ شایع علوی در شکنجه گاههای سمر دزخیمان ، زمین را می لرزاند و گلوله ها سینه ها را سوراخ و صفهای زرمندگان را در می کرد و گارد ، جوانان را در کلاسهای درس و اطباقهای کسوی و خلق را در مساجد و معابر و چون وحشیان آدمخوار کینه جو و پسر کشته ، استخوان می شکست و معیوب می ساخت ، ولی آن بزرگان اطو کشیده در بیرون گرد و یا حاشیه صحنه ، هم چنان به تماننا ایستاده بودند و رهبر و امام خلق را از اینکه سرسخت و سازش ناپذیر و مصمم مردم را پیش می برد و می راند در خلوت استغداد و سرزنش و نکوهش می کردند ، همگی پس از آنکه دشمن دستها را به علامت تسلیم بالا برد به بیرون خزیدند و در پیشاپیش صفوف خلق سینه برافراشتند و زعامت خود را ثبت نمودند .

و چه بسیار که اصلاً بونی از مبارزه نبرده و تجربه ای از بیکار و مقابله با رژیم نداشتند در خارج و داخل بهمنغل و کار و میز و حجره و کارخانه و خانه و مال و فرزند و تحصیل خویش سرگرم و بعداً هم وارث انقلاب و حامل پیام شهیدان - بسدیهی است که تاریخ نویسان برای ثبت در تاریخ نامی جز نام ایشان نیافتند و سرگذشتی جز سرگذشت افسانه ای و قهرمانانه! ایشان نویسنده آنها که ضعف و ترس ، عاقبت طلبی ، سازشکاری ساده لوحی ، بروجودشان غلبه داشت و زیر سلطه انگیزه های جاه طلبی ، شهرت محبوبیت ، مال و مقام و عنوان و رهبری اسیر بودند به اسطوره هایی تبدیل خواهند شد ، مظهر مبارزه جونی ، پیش و خرد ، جهاد و مقاومت سرسختی و دلاوری .

# پرتو قرآن به حق پیوست

# خدمت و خیانت به خلق، معیار ارزشیابی افراد و نزدیکی و دوری به خدا

## اقدام در رفع احتیاجات برادر مؤمن در جامعه توحیدی یک قاعده اخلاقی حرف نیست که هر کس خواست رعایت کند یا نکند. بلکه اموری واجب و الزامی است

خدمت و خیانت به خلق، معیار ارزشیابی افراد و نزدیکی و دوری به خدا

«مردم همانند دانه‌های شانه پاپ»

«یکدیگر برابرنه»

رسول الله

در جامعه توحیدی. همه افراد مؤمن و عضو جامعه، برادر و مساوی و همانند اعضا یک خانواده بحساب می‌آیند. پیوند برادری که در روزهای نخستین هجرت بهمینه توسط پیامبر میان مومنان متعقد گشت یک واقعه بزرگ تاریخی است. پیش از آن هرگز انسانها در یک جامعه برادر و مساوی خوانده نشده بودند. تفاوت بین افراد و گروه‌ها و طبقات کاملاً عادی و شناخته شده و مورد قبول بود. تفاوت‌های مبتنی بر نژاد - خنوع، خاک، ثروت، قدرت، اصل و نسب، نظایر آن عمومیت داشت.

تساویات طبقاتی رسمیت داشت. اسلام همه را برادر خواند. همه را از یک منشأ واحد دانست و تابع یک اراده و یک قانون و نماینده یک خدا و شریک زندگی یکدیگر - «واعصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذا كنتم اعداء فالقرب بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم ایاته لعلکم تهتدون - آل عمران ۱۰۳ همگی برسیمان (اعتقاد) به خدا چنگ زدید و پراکنده نشدید و نعمت‌های خدا را نسبت به خود بیاد آورید. هنگامیکه دشمن هم بود پس

## در جامعه ایده‌آل توحیدی اختصاص و انحصار از بین می‌رود. کل افراد جامعه اسلامی در نظام توحیدی یک خانواده، به حساب می‌آیند

میان دل‌های شما الفت افکند تا به نعمت وی برادر شدید

در حالیکه بر کنار گودالی از آتش بودید پس شما را از آن رها کنید. خدا این چنین نشانه‌های خود را برای شما بیان می‌کند شاید هدایت شوید.

پیوند اخوت که اسلام میان مؤمنان متعقد ساخت آثار بزرگ و پیراهینی در بر داشت: اختلافات و خصومت‌های پیشین را از بین برد، امتیازات و برتری‌های ناروا را باطل کرد، بیگانگی را به دوستی و برادری و کینه را به محبت تبدیل ساخت و بالاتر از آن مسئولیت مشترکی نسبت به سرنوشت همه برادران، بردوش فرد فرد مؤمنان و نهاد. انجام این مسئولیت نزد خدا جزء بالاترین عبارات بوده است و چنین فردی نزد وی محبوب‌ترین است. رسول خدا فرمود الخلق عیال الله فاحب الخلق الی الله من نفع عیال الله - خلق خانواده خدایند و خدا از مردم کسی را بیشتر دوست دارد که نفع او به خانواده خدا برسد. در جای دیگر از پیامبر سوال می‌شود خدا چه کسی را بیشتر دوست دارد - گفت آنکس که سودش بمرم بیشتر است. معیار خوبی و بدی افراد - نزدیکی و دوری از خدا و تقوی و بی‌تقوایی خدمت یا خیانت به خلق است.

در حالیکه دوست داشتنی‌ترین مردم نزد خدا کسانی هستند که نفع بیشتری به خلق می‌رسانند. و بدترین مردم نزد خدا کسی است که خلق را می‌فروشدند - نزدیک‌ترین معنای فروختن انسان برده‌سازی و خرید و فروش انسان را جزء بدترین اعمال و آنها را بدترین مردم می‌شمارد. در حدیث دیگری از پیامبر نقل است که فرمود جبرئیل نزد من آمد و گفت ای محمد بدترین مردم امت تو کسانی هستند که مردم را می‌فروشند

اشتراک در زندگی قانون حاکم بر جامعه توحیدی است

بر جسته‌ترین خصوصیت مؤمنان در جامعه توحیدی، مسئولیت مشترکی است که هر یک نسبت به زندگی و سرنوشت دیگر افراد جامعه دارد در جوامع سرمایه‌داری غربی روح تسفرد و قساعده استقلال سرنوشت افراد از یکدیگر حاکم است هر فرد تنها نسبت به وضعیت زندگی خویش - احساس مسئولیت می‌کند - انسان جامعه سرمایه‌دار غربی، در وهله اول جز به خود نمی‌اندیشد، بی‌اعتنا از کنار دیگر مردم می‌گذرد - کار ندارد که همسایه دیوار بسدینوارش در چه حال است - اصالت فرد اندیویدالیسم) قانون زندگی و مبنای مناسبات افراد

بر مؤمن است که برادر مؤمن را قلباً دوست بدارد - در مالش او را شریک خود گرداند و در غیاب او از خانواده‌اش سرپرستی کند و علیه کسی که بر او ستم کرده یاریش نماید

اسلام با تکیه بر این خصلت ما و روابط در صدر برقراری جامعه ایده‌آل توحیدی است که در آن مردم همه یکدیگر را برادری برادر خود می‌شمارند رسول خدا بر مسلمانان واجب می‌داند که برای برادر خود چیزی را بخواد که برای عزیزترین فرد خانواده‌اش می‌خواهد و ناخوش دارد آنچه را برای عزیزترین عضو خانواده ناخوش می‌دارد.

ادامه دارد

# دعوت سرمایه‌داران؟!!

دعوت سرمایه‌داران فراری برای ایجاد کار؟!!

علی (ع) میگوید «ندیدم ترونی جمع شود مگر آنکه حق ضعیفی پایمال گردد»

یعنی ایشان مال و تبدیل آن به سرمایه در هر شرایطی لازم‌اش تجاوز به حقوق مستضعفین و بیست‌العمال می‌باشد و بدون این تجاوز اصولاً امکان جمع شدن مال وجود ندارد.

ایدئولوژی پروری اسلامی نیز بر همین اساس با زر اندوزان در هر شکلی مبارز می‌کند

«آنانکه طلا و نقره (ثروت) ذخیره می‌سازند و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک شازشان ده» - توبه آیه ۳۴

حفاظت ضد استثمار بودن اسلام را از هزاران سال پیش پیامبران توحیدی و انقلابیون مسلمان بطور عملی و عینی در طول مبارزاتشان به اثبات رسانیده‌اند چنانکه علی (ع) هنگامیکه زمام امور را بدست می‌گیرد اولین برنامه خود را مبارزه با نابرابری و سرمایه‌داران که مولد این فاصله‌های وحشتناک طبقاتی هستند فراموش نمی‌کند که پول‌ها را که با تجاوز اندوخته شده است حتی اگر شیر شده باشد و در سینه‌های مادران آنان و با در کاین زنان رفته باشد پس خواه گرفت.

در ایران نیز به‌خاطر حاکم بودن فرهنگ شرک آلود و ضد توحیدی و سلطه رژیم ضد خلقی و دست نشاندگان شاه زمینه مناسبی برای رشد مثنی غارتگر وجود آمده بود. و بقول خودشان ایران بهشت سرمایه‌داران خارجی و وابسته گردیده بود این عناصر یک عمر با همکاری رژیم فاشیستی شاه در جهت منافع امپریالیسم آمریکا به غارت و استثمار خلق پرداختند و با ایجاد سرمایه‌داری وابسته چرخهای اقتصاد کشور را به زنجیرهای اسارت‌آور امپریالیسم بستند و آنرا به عساری و چرخش در مدار بسته امپریالیسم واداشتند.

بعد از نمودار شدن اولین شعله‌های سرکش انقلاب که میرفت تمام غارتگران و دشمنان خلق را دور و دراز نابودی فراز دهد اینان با خارج کردن سرمایه‌ها فرار را برقرار ترجیح دادند و به عشرتکده‌های خارجی پناهنده شدند تا با پول‌هایی که از خون این ملت و بیعت نابودی اقتصاد کشور تهیه دیده بودند به‌راضی امیال پست حیوانی خود بپردازند بعد از پیروزی انقلاب همه منتظر بودند که دولت و مسئولین در مقابل این عناصر برخوردار می‌شوند همچون سرخورد علی (ع) و یا لاقل در جهت آن داشته باشند و با مصادره اموالشان و ملی کردن صنایع و سپردن اداره کارخانه‌ها به‌دست شوراهای کارگری گامی در جهت رهایی اقتصاد کشور از زیر سلطه امپریالیسم بردارند.

اما همانطور که همه با تعجب دیدیم دولت نه تنها در این جهت اقدامی نکرد بلکه عملاً دست به حمایت و پشتیبانی این عوامل زد.

در روستاها فئودالها سر برداشتند و با کمال و فاحش سلطه بدست گرفته و روستائیان را آواره کوه و صحرا نمودند و در مقابل از مسئولین فقط سکوت دیدیم صاحبان صنایع هم که باقی مانده بودند به همان شکل سابق به‌استثمار کارگران ادامه دادند و حتی با احتکار اجناس مورد نیاز سعی در بالا بردن قیمت‌ها نمودند دولت هم با تصویب قوانین ضد کاری پشتیبانی خود را اعلام کرد.

امروز هم متأسفانه کار بجائی رسیده است که آقای دادستان انقلاب تهران به سرمایه‌داران فراری که هنوز وحشت دارند از بازگشتن قوت قلب میدهد و می‌گوید: «سرمایه‌دارانی که پول و سرمایه خود را به‌خارج برده‌اند میتوانست برگردند و پولی را که بدون مجوز از بیت‌المال دریافت کرده‌اند پس داده و سرمایه خود را در جهت پیشبرد اقتصاد و برطرف کردن بیکاری صرف کنند»

نمیدانم ایشان بر اساس چه تحلیلی و با بهتر بگویم چه توجیهی اینگونه از این طبعه حمایت می‌کنند. طوری حرف می‌زنند انگار مخاطبانشان عده‌ای عناصر مؤمن هستند که حاضرند با جان و دل در راه اهداف انقلاب کار کنند. شاید فراموش کرده‌ایم که این افراد در چه زمانی مشغول جمع‌آوری سرمایه بوده‌اند.

زمانی که با کمترین جوانان این مملکت در راه ایمانشان در زندان‌ها رگ و پوستشان را می‌کنند و هر گونه محرومیت را متحمل میشدند. آقایان مشغول غارت مردم بودند و هر روز نقشی از سر می‌پروارند که چگونه بیشتر استثمار و چپاول کنند.

آقای دادستان می‌گویند «بیایند و آنچه را که از بیت‌المال بدون مجوز برده‌اند پس بدهند و بقیه را برای رفع بیکاری بکار اندازند» خود همین حرف بیانگر این است که چقدر از سرمایه‌های بیت‌المال تلف می‌شود یعنی آنقدر که بتوانند با بقیه آن رفع بیکاری کنند؟!!

بدین ترتیب معلوم است که باز گرداندن پول به بیت‌المال یعنی یک تعارف برای تطهیر سرمایه‌ها و سرمایه‌داران؟! ما وقتی ادعای اسلامی بودن را داریم توقع برخورداری اسلامی و علی‌گوتنه را از ما دارند نه برخورداری که صدو هشتاد درجه با پیش اسلام و عملکردهای علی تفاوت دارد.

اگر قرار باشد که چرخهای اقتصادی کشور دوباره بوسیله این مفسدان بحرکت درآیند پس بیایند فائحه اقتصاد سالم و مستقل را بخوانیم و دیگر در از انقلاب آنها انقلاب اسلامی رژیم تا فعلاً به‌ایدئولوژی اصیل اسلامی لطمه‌ای وارد نشود.

م - طالب

# بقیه از صفحه ۲ شهیدان پیام‌دارند

این ظلم بزرگ را تاریخ نویسان حرفه‌ای که قلم و کاغذ دستشان است و بلندگوها نیز نسبت به قهرمانان واقعی تاریخ و خلقهای مستضعف و توده‌های بی‌نام و نشان و حتی انبیاء الهی مرتکب شدند. تا آنجا که در کتب آنها نامی از توح نمی‌برند و در باره موسی و عیسی بسیار کم و به‌ابهام گنگی و به‌صورت افسانه‌ای که قابل اعتنا نیست و نباید باشد. چند سطر و صفحه‌ایست و به‌عکس صفحات تاریخ را شرح حال شخصیت‌های رسمی و رهبران ملت ما و صاحبان مقامات پر کرده‌اند.

و ظلم بزرگتر به شهیدان هنگامی است که پیامشان هم چون خون‌هایشان فراموش و مسخ شود و بر ما و بر همه کسانی که صادقانه به‌راه شهیدان و قاداران و قلبشان را اندوه و چشمه‌هایشان را اشک پر کرده و قلبهایشان پر خون از فراغ‌گلهای سرخ امت است و بر همه کسانی که به‌آرمانهای بزرگ و انسانی که با شهیدان دل بسته‌اند و به‌تحقق آرزوهای آنان چشم امید دوخته‌اند، بر همه کسانی که با شهیدان در روزها و شبهای سپسکار و دروایشین در حیات و در آستانه شهادت پیمان بسته‌اند و سوگند خورده‌اند. بر همه کسانی که برخاک گور مرطوب آن‌ها لاله سرخ نشاندند، جسدشان را بر دستها و دوشها و بر قلبهایشان حمل کردند. بر خاک آنها اشک افشاندند و برای نجاشان خون دادند و بر نهادهای سرود پیروزی و ادامه بیکار خواندند. واجب است که نه فقط نام و سرگذشت و نقش تاریخی‌شان را زنده کنند و زنده دارند که تحقق پیامشان را تضمین کنند و در برابر ستم تاریخ و تاریخ‌نویسان و واکران

انقلاب ایستادگی کنند. فراموش تکبید که آنها برای چه چیز شهادت رسیدند. فریاد است که بیش از هر جمله‌ای این شعار به‌عنوان روح و جوهر و عصاره خواستهای تاریخی خلق و مسلمانان ما تکرار می‌شد. استقلال، آزادی، حکومت اسلامی اما وارثان انقلاب. آنها که خونهای شهیدان را بصورت قدرت سیاسی، اقتصادی و تصمیم‌گیری در دست‌های خود دارند - با این پیام آشنا نیستند و مفهوم واقعی آن را درک نمی‌کنند و در راه تحقق آن گام برنمی‌دارند. مردم می‌خواهند مطمئن شوند که دارند استقلال خود را می‌یابند و از وابستگیهای آزاد می‌شوند و زنجیرهای اسارت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک‌یک پاره می‌گردند. می‌خواهند سلطه امپریالیسم درم بشکنند و حاکم بر سرنوشت خود شوند و روز بروز مشارکت آنها در امور افزایش یابد به‌مردم می‌خواهند که سیاستهای اقتصادی جاری همه در جهت قطع وابستگیها و تأمین استقلال مملکت باشد.

می‌خواهند که آزادی شکر فزاد شود و همه آثار ترس، خفقان، ناامنی از بین برود آنها طالب نظام اسلامی هستند که در آن برابری و برادری باشد، تقوی و کار حاکم باشد نه پول و قدرت - استثمار نباشد، مردم طالب نظام شوراها هستند.

مردم طالب آزادی در چارچوب انقلاب و هدفهای انقلاب‌اند، مردم طالب قطع دست مالکان و سرمایه‌داران و مزدوران رژیم گذشته‌اند. مردم از سیستم اداری و قضائی گذشته در رنج و عذاب بودند - آنها نظام مردمی تازه‌ای بر پایه

اصول انقلابی را می‌خواهند - مردم از تحقیر و بی‌اعتنائی رژیم‌های گذشته نسبت به خود به‌تنگ آمده بودند، می‌خواهند که حقیقتاً بحساب آیند - و کارشان بدست خودشان سپرده شود. مردم از آن همه تبعیض، نابرابری، ثروت‌اندوزی و مقام پرستی بعضی بجان آمده بودند. آنها برابری می‌خواهند، برادری می‌خواهند، انتظار ندارند مسئولین امور همانند گذشته با آنها رفتار کنند از تسلیفات و ریا و نظاهر دل خون دارند طالب صداقت و سادگی هستند از تحمل و کاغذ بازی و سیستم زنگ‌زده اداری در ستوه‌اند، مردم معتقدند اگر پیام شهیدان تحقق می‌یافت، فاجعه کردستان پیش نمی‌آمد - این راه آیت‌الله طالقانی در نماز جمعه تکرار کردند و پیش می‌تواند کردستانهای تازه‌ای پدید آورد هیچ تغییر چشمگیری در روش مسئولین مشاهده نمی‌شود - بنظر نمی‌رسد از این فاجعه عبرت گرفته باشند. بنظر نمی‌رسد ریشه و عوامل اصلی حادثه را دریافته باشند باز هم بر همان روال حرکت می‌کنند - آیا باید تا از دست‌دادن کامل دستاورها و پایمال شدن کامل خون شهیدان و فراموش شدن کامل نام و پیام آنان - بروندهای ناصحیح خود ادامه دهیم، از نحوه برخورد زعمای دولت با مردم کردستان پس از برقراری آرامش، و پیام رئیس دولت میتوان دریافت که تا چه حد در روشها و پیشها و خصلت‌های خود تجدیدنظر کرده‌اند.

# آخرین پیام

بجنگیم یا نجنگیم، مقدار غرض میکند یا رسول الله ما با شما بیعت کردیم، دست ما را بگیر به دریا بیاوند از بهر کجا میخواهی برت کن و بهر موی که میخواهی بسیار، ما دنبال تو هستیم و می‌جنگیم، بنام خدا و فتح هم می‌گیریم، چون همه مسئولیت قبول می‌کردند، ولی وقتی مردم از مسئولیت خارج شدند شما برادر، شما کاسب، شما کارگر، شما بازاری، شما کشاورز می‌گویی بجاچه خودشان دارند کارشان را میکنند نه. وظیفه یک‌یک از شما است و اگر می‌کردیم و اگر و اگر می‌کردیم و اگر می‌کردیم خلی زمین برای کارها داشتیم و هنوز هم داریم، بیشتر این تنجها، این فرصت‌طلبهای عوامل ضدانقلاب و خارجی را زیانستان را می‌بینیم و سلاح از دست اینها می‌گیریم، ولی متأسفانه دیر تنج، هنوز هم دیر نشده همانطوریکه جلوی توپ و تانک رفتید، این مسئولیتها را دارید شما، این به‌عهده شما است، شاید بعضی از دوستان ما می‌گویند آقا! شما می‌کنید، بیایند در مجلس خبرگان، می‌گویم پسین موکلین شما، من مطرح می‌کنم، اینها هستند ما را وکیل کردند، میدانم برای چه وکیل کردند، ما موظف و مسئولیت نسبت به اینها داریم، باید دردها،

اندیشه‌ها، بدبختها، ناراحتها، عقب‌ماندگیها این مردم را جبران کنیم با قسوانین نجات‌بخش و حیات‌بخش اسلامی. امیدواریم که همه ما خوشتر شویم فرد، فرد مسئولیت قبول کنیم و این مسائل عظیم اسلامی را پیاده کنیم، خود را و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه‌گرایی را فرصت‌طلبی و تسخیم عقیده و یا خدای ناخواسته استبداد زبر برده دین را کنار بگذارید و بیایید با مردم، بسا دردمندها، بسا رنج‌کشیده‌ها، با محرومها همصدا باشیم، خداوند همه ما را بیامرزد، و پس از اتمام نماز مردم با گفتن الله اکبر و دادن شمارهایی چون سفرمان خمینی پیش بسوی وحدت همیشه پاینده باد آتش رزم ملت آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تو

استعمار استبداد، استثمار نابود است انقلاب انقلاب انقلاب پیروز است مقدم شهریور گلوله مسلسل تار امت ما شهادت شهادت سلاح مستضعفان جامعه توحیدی ضمانت خوشان اسرائیل نابود است فلسطین پیروز است چپ و راست نابود است اسلام پیروز است

اصول انقلابی را می‌خواهند - مردم از تحقیر و بی‌اعتنائی رژیم‌های گذشته نسبت به خود به‌تنگ آمده بودند، می‌خواهند که حقیقتاً بحساب آیند - و کارشان بدست خودشان سپرده شود. مردم از آن همه تبعیض، نابرابری، ثروت‌اندوزی و مقام پرستی بعضی بجان آمده بودند. آنها برابری می‌خواهند، برادری می‌خواهند، انتظار ندارند مسئولین امور همانند گذشته با آنها رفتار کنند از تسلیفات و ریا و نظاهر دل خون دارند طالب صداقت و سادگی هستند از تحمل و کاغذ بازی و سیستم زنگ‌زده اداری در ستوه‌اند، مردم معتقدند اگر پیام شهیدان تحقق می‌یافت، فاجعه کردستان پیش نمی‌آمد - این راه آیت‌الله طالقانی در نماز جمعه تکرار کردند و پیش می‌تواند کردستانهای تازه‌ای پدید آورد هیچ تغییر چشمگیری در روش مسئولین مشاهده نمی‌شود - بنظر نمی‌رسد از این فاجعه عبرت گرفته باشند. بنظر نمی‌رسد ریشه و عوامل اصلی حادثه را دریافته باشند باز هم بر همان روال حرکت می‌کنند - آیا باید تا از دست‌دادن کامل دستاورها و پایمال شدن کامل خون شهیدان و فراموش شدن کامل نام و پیام آنان - بروندهای ناصحیح خود ادامه دهیم، از نحوه برخورد زعمای دولت با مردم کردستان پس از برقراری آرامش، و پیام رئیس دولت میتوان دریافت که تا چه حد در روشها و پیشها و خصلت‌های خود تجدیدنظر کرده‌اند.

والسلام

\*\*\*

# طالبانی مجاهد، نزد خدا است امروز



# بهره‌گشی و استثمار به‌به‌ترین شکل خود در کوره‌پزخانه‌ها تجلی می‌کند.

کوره‌پزخانه‌ها از جمله معیضات کارگری هستند که کار در این کارگاه‌ها یکی از شاق‌ترین و در عین حال کمبودآمیزترین کارهاست. بهره‌گشی و استثمار در بدترین شکل خود در این معیضات بخش می‌خورد. در زیر طاقت بدبلیل رند نامناسب شیپرها و گسترش هرچه بیشتر وسایط و مسائل انفرادی، نسیما کوره‌پزخانه افزایش پیدا می‌کند. آنچه در ذیل آمده گزارش کورهای است از کوره‌پزخانه‌های اطراف شیراز که صرفاً برای اطلاع مسئولان امور انسانی و مسلمانان مطرح می‌باشد.

در پهنای و اطراف کوار شهرستانی در استان فارس با آفتاب سوزان جنوب و تنهایی خاک‌ریس و خرابی‌ها، چه بر روی زمین کارگران کورهای می‌بینید که در گرمای طاق‌فرسای داخل کوره با شاشی فراوان در پی انجام کار هستند. کارگری که قبلاً کارورز بوده، همان‌جا کار بر سر کوره‌ها اصلاحات از همه شاعرانه، زمین‌های خود را از دست داده و در کارگاه‌های کار اجباری شبیه دوران فرانسه مصر به بگاری متحملند. از ۱۲ تا ۱۴ - سه ساله گرفتار پیرمردی نان‌دور از آنجا کار می‌کنند، به‌همین‌جهت که موجودند به رفیق باطنی‌های فالبریزهای این بند کرده و به محلی برای خشک شدن بریزند. بعد از شش کمر سالم برای آنان باقی نمانده ماند. در اثر کار زیاد

## کودکانه که هر دقیقه یکبار گلهای قابل ریزش در پلاند می‌کنند بعد از مدتی کمر سالم برای آنان باقی نمی‌ماند

### کارگران کوره‌پزخانه خواستار پرداخت دستمزد عادلانه و دریافت حقوق در روزهای تعطیل و استفاده از مرخصی سالانه هستند

دیوار کبوتری و شبیه‌انسانی موالی خواهند شد و بدنه‌های آنجا بیچاره‌هایی موجودند. در حالی که کارفرما آنها را به نکره که هیچ ابتدائی‌ترین وسعت‌های پیش‌آب از خود بایز از چند کورتری نه‌کنند. کارگر از مسکن خستنا برف خدماهی کوره نوردان شدید. در حالی که حرارت آتش برای آن می‌گردد. کارگران مشغول چندین خستنا بودند. بدون هیچ لحظه‌ای کارشان را متوقف کند تا به‌نیگمایی یا ما و نخیند خشک سر، به‌نگاهای ممن‌داری را به بیدگاری مانده و باز به کار خود ادامه دادند.

## مصاحبه با برادران کارگر:

برای آشنائی بیشتر از درها و رنج‌های کارگران کوره‌پزخانه‌های صحت‌بخش می‌نویسیم. برادران ما چند تا دانشجوی هستی که آندامید از وضعیت کار و خواست‌ها و حقوق‌تان گزارش می‌دهد. به اداره کار بدیم. اما برای پیگیری، شما می‌بایستی از زمین خود یک نفر را به عنوان نماینده انتخاب کنید. هر چه ما سایر نمایندگان کوره‌پزخانه‌ها به آنجا فرستید، اداره کار به دانشجویمان گفته (لطیفه شما نیست که بدین کار کارگر باید بود بلکه خود کارگر باید بر طرح مطرح کردن خواست‌هایش به اداره مراجعه کند).

برادر کارگر: ما آقا مانند سال پیش هم رفتیم ولی کار برای برامون نگردید. در جواب گفتیم امیدواریم در شرایط بعد از انقلاب وضع فرق کرده و به کارگرا رسیدگی شود.

ج - وضع به‌شدت‌تر است! چه‌طور است؟! (بخت می‌نماید به بیان خشک‌شان مستحضر باشیم...)

اینکه کلمه برایشان نامفهوم بود)

ج - زیر سؤال آید!

ج - چندین حقوق می‌گیرد!

ج - کفتری هستیم. هزاره‌ای ۲۶ تومان می‌گیریم. بسته پنج‌گانه کار می‌دهیم...

ج - من چند ساعت در روز کار می‌کنم!

ج - هر چه قدر بستیم، ۱۲ ساعت، ۱۴ ساعت معمولاً از ۲ یا ۳ بصدازیم.

در حالیکه وضعیت به‌شدت آنان زیر سؤال است و در حالیکه اگر کارگر یک روزش را تعطیل کند و به اداره کار برود آن روز را می‌بایستی گرفته‌ست. مسلمان چگونه می‌توان قبول کرد که آقایان پشت میز و زیر کور باشند و کارگر روزی یک‌روز روزخانه‌اش را بریزد و پیش آنان برود و آخر هم سرافکنده و غرورانه نگاهش کند. باز گردد و وضعی شوال می‌کند که آقای مسئول در شرایط بعد از انقلاب اگر نتوانیم برای این فقره

# قطنامه شورای انقلاب اسلامی کارکنان ماشین‌سازی

جامعه که انقلاب را با خون خود و جوانانش آبیاری کرده‌اند، کاری کنیم و جوانان خود را بر سرانست کار کارگر را را به پاری خودشان برادریم، چگونه ادعای پیروزی انقلاب را می‌گوید! پاسخ می‌دهد همان کار چنین است.

نظام پروری کراسی گذشته همچنان بر سر دستگاه‌های اجرائی دولت حاکم است و دولتی‌ها هر آن خود را در این گرداب فانی غرق می‌کنند و در پی یافتن قانونی در منور و گنگ‌ها برای انجام کاری زسانها و دست‌نفس می‌نمایند تا کار قانونی انجام شود. اگر یک روز مرخص شوند و در کار خود روزی آن‌ها باقی نماند، اگر در جریان کار حادثه‌ای برایشان اتفاق افتد ادامه کارشان با خدمت‌دهی و مسیری فرزند منتظر خان ناممکن. اگر کارفرما دوست نداشته که یکی کار کند تا پیدا کند کاری جدید گشای آنها را به چاره اوست. ایس است نتیجه قانون برای کار و مطالعه خدمت‌دهی سازمانی برای درست کردن قانون، و در این رابطه دور خود پیچید و سبک‌دلانه نظر، پرور کراسی‌ها من از آن محصور شدن در چنگار کلی، کور پرورهای کوره‌پزخانه‌ها وجود ندارد. کارفرما هر کار بخواد انجام بدهد، هر که گرفتار شده از اداره کار و سنن فراوان ۲۰ هزار تومان یا بیشتر اجیرانی می‌کنند و وضعی یا وضعیت می‌کمی، می‌گوید، آقا این کارگرا

۱ - دستمزد دستمزد عادلانه و برخورداری از دستمزد در روزهای تعطیل رسمی و استفاده از مرخصی سالانه.

۲ - رسیدگی به وضع بهداشت.

۳ - ایجاد شمولات بهداشتی و بیمه.

۴ - استفاده از بیمه کارگری.

در پی رسیدگی به وضع بیمه کارگران، محلهای مذکور از طریق اداره بیمه اقدام شده است. استقبال بسیاری کرده، اما گنگ‌های که فرار می‌سوزد از سوی طرف بیمه برای آمارگیری در مورد وضعیت حقوقی کارگران به کوره‌پزخانه اطلاع داده‌اند از مرکز و دستور آمد تا اطلاع ثانوی از فرستادن سبازرس خوداری فرمایند زیرا نرخ بیمه تغییر کرده است و بدنیوسه بهترین کاری که به اجتنام امیدی برای دولت متوقف گردید. از مسئولان شوال می‌گردد، آمارگیری در مورد وضعیت حقوقی چه ارتباطی با نرخ بیمه دارد. این آمار می‌تواند همیشه علیرغم نرخ و درصد بیمه مسوره استفاده فرار گیرد. آیا هنوز سیاستی برای انجام کوچ‌کنش کار از ۱۴ دستور برسد! به‌رحال امیدواریم دولت در این مورد اقدام فوری و قاطع عمل بیاورد.

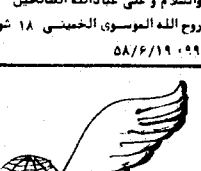
توجه باید داشت که در بررسی مشروع و مشروط بودن کارخانه باید به درجه اشتغال کارگر علی‌رغم درجه پایین سرمایه‌ت نموده و کوره‌پزخانه‌ها از این وضعیت اند نظر ما با نظر گرفتن این عامل مهم سیاستی در آینده دولت کنترل کوره‌پزخانه‌ها در صورت ادامه کار آنها بنین طریق به عهده بگیرد و آن را بطریق شورش و نظارت کارگران فعال نسایم. به‌علاوه از اشتغال کارگر جز از طریق فوق و اقدام قاطعانه راه دیگری ندارد.

## بیمه از دستمزد ۱

## امام درسوگ...

هیچ‌گاه درجه‌های بزرگ‌خود سنتی و سردی نداشت‌ام منتظار نداشتم که بیامدم و دست‌ان عزیز و برادر خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود زبان گویای او چون شمشیر مالک، اشتر بود برنده بود و کوبنده مرگاو زودرس بود و عرو با برکت رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در رأس برهنگاران بود و بر و روان خودش که با زوری توانای اسلام من به امت اسلام ولت! بران و عائله ارجمند و بازمندانگ او این‌خامیه بزرگ را کشتن بردهم رحمت بر او بر همه مجاهدان راه حق.

روح‌الله عبداللّه الصالحین  
روح‌الله الموسوی‌الحمنینی ۱۸ شوال ۵۸۶/۱۹۰۹



گزارش فوق را از خوداندگان آنت از شیراز برای ما ارسال داشت‌اند که ضمن تشکر از ایشان می‌پسای آگاهی سایر برادران و خواهران اقدام به سرپس آن کردیم.

# شورای کارگری ماشین‌سازی تبریز خواستار مصاحبه با مدیر عامل شد

شورای کارگری ماشین‌سازی تبریز ضمن اظهار تهنیت و عرض تبریک به شما جناب کور، ملاحظه می‌نمایم که کارمندان کور در اختیار شما قرار گرفته‌اند و در صورت غرض‌گس از بی‌تربط مدیرعامل کورخانه به سواک که در طول مدیریت خود به خودی‌ها رخصتی و غارت می‌نمایند و حقوق کارگران توسط هتکفی بر روی خود فرار کرده که کارکنان و کارگران کورخانه جو خسار مضاعف مولی وی به نفع مستطیفین شده‌اند.

تازه‌ری یکی از نهادان کور غنده کسیر به‌سیاسی نوکی بر می‌نماید که همچنان در جهت احسان هدف پدید خود مشغول نوشته‌چینی علیه کارگران و برنامیان دولت بود. بعضی روزی می‌خواهد کارخانه را تعطیل کند چون احساس کرده‌ست وجود شورای کارگری در کارخانه دیگر دوران چیدون و غارت با بار زمین است برای سلفه جدد خود به کارخانه به خواسته به دولت

۱ - منحل شدن شورای کارگری کورخانه تبریز است.

۲ - گرفتن و بر قطع ۱ میلیون تومان از دولت.

۳ - بالا بردن قیمت کیریت از دوبرابر.

۴ - تهدید کرده‌اند که در صورت رد شدن به پیشنهاد فوق مورد کیریت از دوبرابر خواهد کرد کارخانه تعطیل خواهد شد.

۵ - شورای کارگری و کارکنان کارخانه کسیر به‌سیاسی و مسئولین شازی تبریز امیدواریم در ساعده به آن سربره‌بانان و سینه دفر کور در جهت حرکت بسوی تحقق اهداف مستطیفین در جمهوری اسلامی پرداخته شوند.

۱ - ما کارکنان ضمن تشکر از رهبری انقلاب و دولت فروخت جمهوری اسلامی با توجه به وضع کارخانه و مشکلات هرگونه کهرکاری و ناکسسه‌های کشیدن از مسئولیت از طرف هرکس و هر مقام که بماند مستحکم می‌نماییم.

۲ - ما خواستاریم هر چه زودتر کارخانه بعد از فکروالتی برسد و هر کس سرراه این حرکت ما فرار بگیرد یا نشت از جامعه‌مان طرد خواهیم نمود.

۳ - ما خواستار شاره شورای کارکنان در نسایم تعیین‌گیرهای مدیریت کارخانه می‌نماییم.

۴ - ما از دولت مسووف جمهوری اسلامی خواستاریم که شرایط مسووف را زود برطرف سازد تا کارمندان و مرخصی‌ماین کارمندان و کارگران در تمام سطح اداری و صنعتی کشور برودر اجراء بگذارد.

۵ - البته این بیان می‌نماید که به‌صورت احسان کارکنان کاهش باید بلکه عقیقاً ایمان داریم در این دوران جهاد سازندگی باید هر چه بیشتر کارکردن تا از زیر بار استغنی امپریالیسم برسد اما خواستار افزایش ساعات کار کارمندان تا حد کارگران هستیم.

۶ - پرداخت تمامی به‌میهای ماشین‌سازی از طرف دولت که بابت آنها بود پرداخت میشود.

۷ - تسهیل خرید محصولات تولید شده در ماشین‌سازی تبریز از طرف وزارت صنایع و معادن.

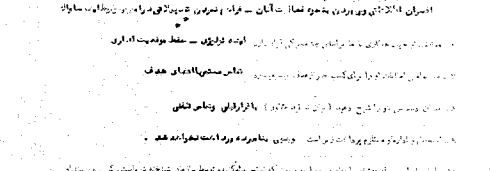
۸ - ما از دولت مفتوح اطلاع داده‌اند که ما با ناامید هر چه نامشروع با راه‌سوا کردن و سرکوب عوامل ضد انقلاب تأیید و پاری که...

## بیمه از دستمزد ۱

## امام درسوگ...

هیچ‌گاه درجه‌های بزرگ‌خود سنتی و سردی نداشت‌ام منتظار نداشتم که بیامدم و دست‌ان عزیز و برادر خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود زبان گویای او چون شمشیر مالک، اشتر بود برنده بود و کوبنده مرگاو زودرس بود و عرو با برکت رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در رأس برهنگاران بود و بر و روان خودش که با زوری توانای اسلام من به امت اسلام ولت! بران و عائله ارجمند و بازمندانگ او این‌خامیه بزرگ را کشتن بردهم رحمت بر او بر همه مجاهدان راه حق.

روح‌الله عبداللّه الصالحین  
روح‌الله الموسوی‌الحمنینی ۱۸ شوال ۵۸۶/۱۹۰۹



گزارش فوق را از خوداندگان آنت از شیراز برای ما ارسال داشت‌اند که ضمن تشکر از ایشان می‌پسای آگاهی سایر برادران و خواهران اقدام به سرپس آن کردیم.

# طالقتی، امید مستضعفان راهت ادامه دارد

# انقلاب فرهنگی ضرورت

توی بازار کاست است اما در عین حال مستعداری از وقتش را صرف تدریس یا مشاورت با... میکند و اصولاً در فرهنگ اسلامی یاد دادن قوانین و احکام الهی مرد گزین در برایش حرام است. برخلاف سیستم غربی که مدرک و سیاهی مدرک گزینی اصل است و حتی معیاری است برای محک زدن به ارزش فرد و شخصیت انسانی و تعیین جایگاه اجتماع او، در اینجا نه تنها اصل نیست بلکه اصولاً وجود ندارد، در اینجا این عمل و نوع عملکرد فرد تحصیل کرده در جامعه و میزان معیولیت وی در بزغامه بازار در رابطه با عملکردش و چگونگی خدمتش است که مدرک فرد تعیین میکند. یعنی کسیکه کاری بلد نیست جایگاهی نیز ندارد.

● فرهنگ با توجه به تعریف و مفهوم وسیعی که دارد شامل هنر و ادبیات و مذهب و... نمیشود چون اینها ابزار فرهنگی اند و زمینه‌های فرهنگی هستند. حتی روابط تولیدی و اقتصادی نیز بخشی از فرهنگ را در بر دارد یعنی وقتی از تحول فرهنگی صحبت می‌کنیم تحول روابط اقتصادی و اجتماعی نیز مورد نظر است.

## سرنوشت فرهنگ بعد از پیروزی انقلاب

سروهای ارتجاعی عناصر لیبرال و اصولاً تمام افراد و نیروهاییکه انقلاب را تنها در یک جد بگریی صرف می‌بینند، در این رهگذار ارتژی برای نوده‌های مردمی بعنوان نیروهای بالقوه هائل بینند. از آنجائیکه قادر به حل تضادهای عمده و اصلی جامعه نیستند یا سرگرم کردن مردم بمسائل و مشکلات فرعی که مردم بالقوه قدرت حل آنها را دارند. تلاش میکنند ساق و دادن نوده‌ها طرف تضادهای فرعی آنان را از توجه و پرداختن به سربسرا و عمق مسائل دور نگهدارند و از آنجائیکه مایل نیستند مردم از آسان سبقت و پیشی بگیرند. سعی میکنند با فرو نشاندن شور انقلابی ایجاد شده در مردم و جلوگیری از رشد و تحول فرهنگی

میشود. اکنون دیگر ارتجاع و سروهای فرصت طلب قدرت یکنوازی به نفع اربابان امپریالیست خود پیدا نمی‌کند. و این در واقع یک راه حل عملی معطنی بود که در پروسه انقلاب شکل می‌گرفت و جامعه را در جهت تحول فرهنگی سوق میداد.

## چه باید کرد!

اکنون که رودرس بودن انقلاب و عدم تداوم آن و اشکال تراشی‌های بیستار و حساب شده از حساب نیروهای ارتجاعی و لیبرال و فرصت طلب عملاً می‌رود آرا با شکست و توقف روبرو سارند. اما تمام راهها بسته نشده هنوز هم میتوان با تکیه بر روش دیگری به تحول فرهنگی رسید. و این چیزی نیست جز آموزش عمومی و آشنا ساختن مردم با روح و مفاهیم انقلاب اطریق بکارگیری دو مکانیزم. یعنی استفاده از خود و استفاده از دستگاه رهبری با تکیه بر اصل هشیگی و خدشه ناپذیر امر به معروف و نهی از منکر. برخلاف آنچه که تصور میشود، این امریست که تمام ارگانهای یک جامعه انقلابی را شامل میشود هر چند که عده‌ای سعی میکنند آرا از درون جامعه بیرون بکشند و نگذارند که در تمام ارگانه جاری شود. از طرف دیگر میتوان با تکیه بر اجتهاد دست به نوع آوری و تلاش برای پویایی فرهنگی زد. اجتهاد بعنوان مهم‌ترین مکانیزم حرکت انقلابی به هر کس اجازه میدهد که با استفاده از مستون در دسترس اسلامی و اندیشه و تفکر و ذهن خودش تآوری کرده و پدیده‌های جدید را در فرهنگ خلق کند و پویایی آنرا امکان‌پذیر سازد و با تکیه بر آموزش عمومی این مکانیزم را در جامعه عملی سازد.

مسئله دیگری که باید در فرهنگ عمومی جامعه مدنظر باشد «ترکیبی» بودن فرهنگ اسلامی است. بدین معنا که فرهنگ اسلامی اصول، ضوابط و چارچوبی را داراست که هر فرهنگی که فساد باشد نسوی این چارچوب و اصول بکنجد جذب کرده و بدان محتوای اسلامی می‌بخشد. می‌بینیم که مثلاً «هفت‌سین» که یک رس است و زردشتی است بدلیل اینکه حاوی روح همکاری و تعاون و برادری و محبت و... است نه تنها جذب میشود بلکه دعای سال تحویل نیز ضمیمه‌اش

میشود. بنابراین مهم‌ترین کاری که بایستی در انقلاب فرهنگی مدنظر باشد توجه به فرهنگ خنق‌ها و افسانه متعدد درون یک جامعه است. که هر کدام از این فرهنگ‌ها می‌تواند به تنها عامل پویایی و تحرک انقلاب باشد، بلکه برخلاف تصور عده‌ای که گمان میکند توجه به فرهنگ خنق‌ها باعث حدثنی و افتراق میشود. بگمانگی و وحدت و روح همسنگی و پیوستگی را در آن تقویت میکند. چرا که ریمبه مشترک در فرهنگ خنق‌های مسلمان و افاده حتی در کشورهای متعدد اسلامی. ریمبه ایثنواریک است و بین نده سعی اسلا است یعنی ایجاد یک فرهنگ مشترک در ریسر چتر ایثنواری اسلامی در تمام سرزمین‌های اسلامی. که روح بیگانگی و جدایی را در فمرو اسلامی به ضعف و نابودی کشاند اقوام و خلق‌ها، دقیقاً در سایه فرهنگ خاص خودشان است که می‌توانند رشد کرده و تولید فرهنگی بکنند و فرهنگ خودشان را ارائه بدهند و این در واقع همان چیزی بود که رزیم سابق و تمام رزیم ضد خلقی شدت سعی در نسفی و مسکوب آن داشت. تحقیر زسان و فرهنگ‌های آذری، کردی، بلوچی، گیلکی و... دهبیفاً با تکیه بر این سیاست دیرینه استعمار - کسوپید و تحقیر فرهنگ - بود که حرکت میکرد. تا تولید فرهنگ و رشد فرهنگی صورت بگیرد و آنان مجبور به ارتزاق از فرهنگ منخط غربی بشوند. این مسئله بایستی دانستاً مدنظر باشد که توجه به فرهنگ، توجه به انقلاب است و اگر این توجه صورت نگیرد ضد انقلاب قادر خواهد بود از این احساس و ویژه حداکثر بهره‌برداری را بکند. بی‌اعتنایی به فرهنگ‌های بومی و محلی مخالف روح اسلام راستین و انقلابی است.

هیچ انقلابی را در دنیا سراغ نداریم که بدون ایجاد یک برنامه منظم برای ایجاد تحول فرهنگی قادر به ادامه راه باشد. تمامی انقلاباتی که در تاریخ بخصوص در تاریخ اسلام تضعیف شده و به کجراه و انحراف کشانده شده دقیقاً ناشی از ضعف یا حتی فقدان چنین برنامه‌ای بوده است. برای اینکه انقلاب فراموش نشود دو چیز ضرورت دارد، یکی زدوده شدن تسامی خصلت‌های شرک و همه خصلت‌های وابسته به رزیم منخط قبلی و دیگری در دست داشتن ملاک‌های ارتژی برای ادامه راه و مسیر. می‌بینیم بعنوان مثال شخص نبودن ایستدو

ضرورت بعد از وفات پیامبر چگونه متجر به شد. و بگیری اشراقیست عرب در جامعه اسلامی شده و ارتش‌هایی را که محمد برای ایجاد و استقرار آنها ریخه منحل شده بود بنا بآبوی می‌کشاند و در نهایت ریمبه را برای مناسط سیاسی امیه و سنی عباس فراهم می‌سازد. تمامی دولتهای انقلابی جهان برای اینکه چنین ریمبه‌ای ایجاد شود و دوساره از آن میان غول جاهلیت و بخیری سر در ساورد ناچارند دست بیک تحول فرهنگی در اندیشه‌ها و اذهان و تفکر جامعه بزنند تا انقلاب قادر باشد در مسیر اصیش فده برود. هدف اصلی انقلاب باید ایجاد انگیزش و تیزتر نمودن آتش انقلاب باشد و از طرفی ضروری است که با ایجاد تحول در خصلت‌ها و پیش‌ها و روابط و ضوابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ریمبه‌های تحول فرهنگی را هموار نموده و راه را برای کسوپیدن دشمن و جلوگیری از رشد ارتجاع بعنوان مخالف اصلی انقلاب فرهنگی باز نماید اگر آن دسته از انگیزش‌هایی که از نظر روانی قابلیت ایجاد تحرک را دارند پائین بیاید، امکان تحول و انقلاب فرهنگی بشدت ضعیف میشود و آن فرصت‌هاییکه در دوره انقلاب برای ایجاد تغییر و تحول ایجاد شده بود از دست می‌رود (که دارد می‌رود). یک حرکت انقلابی و تحول فرهنگی راهی جز بازگشت به نوده‌های مستضعف ندارد چرا که فرهنگ همان چیزی است که از دوران نوده‌ها می‌جوشد و توسط آنها رشد میکند. مضافاً بر اینکه جوشش فرهنگی از درون نوده‌ها زمانی امکان‌پذیر است که یک تساری اجتماعی. که یکی از مهم‌ترین ابعاد فرهنگی است. در جامعه برقرار شود. مردمی که سالها با فقر و گرسنگی دست بگریان بوده‌اند طبیعتاً قادر به تولید فرهنگی نخواهند بود. تولید فرهنگی در درون یک جامعه جز از طریق ایجاد تساری اجتماعی و اقتصادی ممکن نیست.

اگر قرار شود (که باید شود) محور تحول فرهنگی مستضعفین باشند و جوشش فرهنگی از درون آنها باشد محور اصلی این تحول و حرکت انقلابی نیز بایستی در جهت منافع مستضعفین باشد تا این تحول و انقلاب امکان‌پذیر باشد.

میگوید با این مردم مشورت کن به اینها شخصیت بده بدانند که مسئولیت دارند متکی به شخص رهبر نباشند ولی نکرند و میدانم چرا نکرند هنوز در مجلس خبرگان در این اصل اساسی قرآن بحث میکند که به چه صورت پیاده شود این اصل اسلامی است یعنی همه مردم از خانه و زندگی و واحدها باید با هم مشورت کنند در کارشان علی فرمود هر کس در کارهای خودش استبداد کند هلاک میشود.

وقتی من یک دید دارم با یک نفر شما با دو نفر با ده نفر وقتی که مشورت می‌کنم ده دید پیدا می‌کنم ده عقل به عقل خود ضمیمه می‌کنم چرا نمیشود؟ نمیدانم - امام دستور میدهد - ما فریاد میکشیم دولت هم تصویب میکند ولی عملی نمیشود مگر در سنج که این شورای نمید تشکیل شه ضروری بجای رسید و میبینیم که آنجا سبباً از همه جای کردستان آرامتر است یعنی گروههای افرادی دست اسنر کار شایسته ایستندو تشخیص بدهند که اگر شورا تشکیل بشود دیگر ما چه کاره هستیم بروید دنبال کارتان بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند این مردم هستند که کشته دادند اینهایی که اینجا خوابیده‌اند از همین تسوده‌های جنوب شهر بودند منطبق اینها این بود میگویند که در کارخانه‌ها اخلاص میشود خوب بشود آن اصل مهمتر از این که در کارخانه‌ها اخلاص بشود در کارخانه اگر اخلاص شد شورا را تعطیل کنید. چرا)

و امر هم شورا بیهتم... در اجرائیات پیغمبر با آن عظمتش می‌نست با مسلمانها در جنگ بدر، احد، خندق شما نظرتان چیست؟ از شهر خارج شوید و یا در شهر بمانید، شما نظرتان در جنگ خندق چیست خرماها را به یک عده از قبایل عرب بدهید، اینها بروند کنار تا بین اینها اختلاف ایجاد شود یا ندهیم، در جنگ بدر که آماده جنگ نبودید، جنگ کسینم یا نکینم، وقتی آنها میگویند که یا رسول الله، ما آنوقتی که در پرتو اسلام نبودیم مقابل دشمن میرفتیم، حالا چرا در خانه، در میان شهر باقیم، میفرماید: بفرماید، یا رسول الله آنوقتی که ما مسلمان نبودیم و موحد نبودیم به عربها باج نمیدادیم، حالا به اینها باج خرما بدهیم، حالا به اینها باج خرما بدهیم؟ فرمود: نه مسیحیجیم، شما نظرتان این است، میچنجیم، این کاری است که تمام مردم باید بکنند، میفرماید ما برای جنگ نیامدیم، در پدر این همه قسونی که حرکت کردند با تجهیزات از مکه ما شاید تاب و توان آنها را ندانسته باشیم،



انقلاب اسلام برسید هدف اسلام چیست هنوز مشخص نشده اسلام چه میخواهد منظور اسلام چیست اگر هدفها تشخیص داده بشود اگر راه بطرف هدف باز بشود بسیاری از این درگیری‌ها تخفیف پیدا میکند و آوقت مشخص میشود که این برادر کرد آیا واقعاً ضد انقلاب بوده یا او را با شعارهایی که در زمینه غلهای مادی و فرهنگی نگه داشته‌اند شعاری میدهد او را فریب میدهند بخودش میکشد و بطرف خودش جاب میکند راه تبلیغات علیه دولت و رهبری این شهدای ما و این مردم انقلابی ما که این قدر در اینجا زیر آفتاب جمع شده‌اند از نوده مردم راه انقلاب را عملاً باید به آنها نشان بدهیم باید از همان قدم اول و روز اول که این رزیم سقوط کرد ما پرچم رحمت را باز کنیم و با عمل نشان بدهیم آن کسانی که هنوز میخواهند در ادارات حقوقهای زیادی بگیرند و بنشینند و کار نکنند اینها را ببریم دنبال کار و به زندگی مردم مستضعفین آنقدری که میتوانیم برسیم و از این کاغذ بازی دست برداریم اگر میکردیم بسیاری از مسائل حل میشد من قول میدادم حل میشد صدها بار من گفتم که مسئله نور از اساسی‌ترین مسئله اسلامی است حتی به پیامبرش با آن شخصیت

و فکر مردم راسته بود این پیامبر آمد همه آنها را سر دارد و غلها را بکشاید.

این هدف پیامبر آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی آزاد کردن از اندیشه‌های شرکی که تحمیل شده آزاد کردن از احکام و قوانینی که سود یک گروه و یک طبقه بر دیگران تحمیل شده است این رسالت پیامبر شما بود ما هم باید دنبال همین رسالت باشیم این شهدای ما هم دنبال همین رسالت بودند در

**— اگر شورا تشکیل شود دیگر ما چه کاره هستیم، بروید دنبال کارتان بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند این مردم هستند که کشته دادند. بعضی از دوستان می‌گویند: شما چرا این مسائل را در جلوی توده مردم مطرح میکنید بیائید در مجلس خبرگان، می‌گویم بین موکلین شما من مطرح می‌کنم اینها هستند ما را و کیل کردند میدانم برای چه و کیل کردند ما مسؤولیم و موظفیم، باید دردها، اندیشه ما، بدبختیها، ناراحتیها، عقب‌مانگیهای این مردم را جبران کنیم با قوانین اسلامی.**

**— همه می‌گوئیم انقلاب اسلام، برسید هدف اسلام چیست هنوز مشخص نشده اسلام چه میخواهد منظور اسلام چیست اگر هدفها تشخیص داده بشود اگر راه بطرف هدف باز بشود بسیاری از این درگیری‌ها تخفیف پیدا می‌کند.**

مقابل همین رسالت بودند در مقابل فرهنگ تحمیلی در برابر اقتصاد تحمیلی در برابر قوانین تحمیلی در برابر محدودیت‌های پلیسی که گاهی به اسم دین بر مردم تحمیل میشد که از همه خطرناکتر بود این خطرناکترین تحمیلات است یعنی آنچه که از خدا نیست از جانب حق نیست آنها را به اسم خدا به دست و پای مردم بستند و مردم را از حرکت حیاتی باز دارند حق اعتراض و انتقاد به کسی ندهند حق فعالیت آزاد به مردم مسلمانها و مردم آزاده دنیا ندهند. این بیمان اصر و اغلاص است اغلاصی است که پیامبر مبعوث شد تا آن بشر دچار این همه غلها را نجات دهد و ما نیز بدنبال این پیامبر هم خودمان را نجات بدهیم و هم دیگران را رها سازیم.

دعوت اسلام دعوت سه رحمت و آزادی است در اول هر سوره بنام دو رحمت رحمت واسعه و رحمت

# به راه مجاهد طالقانی با تقوا و ایثار وفادار باشیم

# «غیرمتعهدهای متعهد»

تمام این تصویب نامه‌ها چیزی جز حروف جایی بر روی صفحات کاغذ نیست و در اصل «تساوی حقوقی»، «تمامیت ارضی» هیچگونه تأثیری ندارد و این خلقهای جهان هستند که زیر سلطه امپریالیسم جهانی در حال جان دادن هستند.

در این زمان مبارزات ضد استعماری کشورهای تحت سلطه، مخصوصاً آفریقای سیاه اوج میگرفت و یکی پس از دیگری استقلال می‌یافتند. در نتیجه تشکیل چنین جبهه‌ای از طرف تیتو، با استقبال فراوان روبرو شد، و تنها پناهمگاهی بود که کشورهای تازه استقلال یافته، بدون دردمس بدان پناه می‌بردند و در مقابل حلات همه‌جانبه شرق و غرب تا حدودی منسجم و متشکل می‌شدند.

برای اولین بار کنفرانس غیرمتعهدها در «بانک و نیک» (اندونزی) برگزار شد و رهبرانی چون تیتو، ناصر نهر، سوکارنو، نکرومه، بن‌بلا، و چهره‌های دیگر در آن شرکت کردند. پس از این کنفرانس اولین گردهمایی رسمی با شرکت ۲۵ کشور در «بلگرا» منعقد شد. چند سال بعد دومین کنفرانس در قاهره تشکیل شد.

در دهه ۶۰ دو ابرقدرت آمریکا و روسیه تلاشهای فراوانی برای جلب حمایت کشورهای جهان سوم می‌کنند و از طرفی در این دهه مرگ رهبرانی مثل نهر، سوکارنو، نکرومه نقش مؤثری را در این جنبش ایفا می‌کنند باعث تضعیف جبهه شد و از جانب دیگر کودتاهای متعدد که در آفریقا با آسیا توسط آمریکا و روسیه انجام می‌گرفت تأثیر مستقیم در شرکت کشورها در این کنفرانس می‌گذاشت. اندونزی که خود یکی از بنیانگذاران این جبهه بود دچار کودتای آمریکایی توسط عمال «سیا» شد، مصر پس از مرگ ناصر و با اعمال سیاستهای سادات روز بروز از موضعگیری‌های کشورهای غیر متعهد دور شد و کشورهای دیگری نیز کم‌وبیش دچار همین سیاستهای امپریالیستی شدند. با اعمال این سیاست کشورهای کمی وارد کنفرانس شدند کیفیتاً از لحاظ اتخاذ سیاست بصورت اقسام دو ابرقدرت درآمده و عملاً جبهه‌گیری و موضعگیری‌های کنفرانسها را مخدوش کردند و آمریکا و روسیه با یک تیر دو نشان را زدند. اول بیزیر سلطه کشیدن کشورهای دیگر خشنه‌دار کردن نهضت کشورهای غیر متعهد، و امروز می‌بینیم که چین که یکی از طرفداران سرسخت غیر متعهدین بود خود را کنار کشیده و راه سرمایه‌داری را پیش گرفته است.

### مفهوم عدم تعهد:

بسطور کلی عدم وابستگی کشورهای عضو به ابرقدرت‌ها از نظر سیاسی نظامی و اقتصادی می‌باشد. این کشورها تشکیلات سازمان یافته‌ای ندارند بلکه محور اصلی کار آنها فقط «عدم وابستگی» و همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط بین‌المللی می‌باشد و از اسناد متفرقه‌ای که تاکنون در ملاقاتها به تصویب رسیده است میتوان به نتایج زیر رسید.

۱- تقابل تضادهای موجود در روابط بین‌المللی که ناشی از تقسیم جهان به دو قطب شرق و غرب می‌باشد.

۲- نفی سیاست زور و اعمال قدرت و حل اختلافات و مناقشات بین‌المللی از طریق مسالمت‌آمیز.

۳- منطبق کردن روابط بین‌المللی بر اصل تساوی حقوقی ملل و احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت و حق مسلم هر ملت مبتنی بر تعیین سرنوشت خویش.

۴- شناسایی و احترام بحق هر ملت برای تعیین سرنوشت خویش و آزادی هر ملت در انتخاب نظام سیاسی و اجتماعی خود.

۵- توسعه همکاری‌های بین‌المللی بر اساس تساوی میان کشورها، صرف نظر از رژیم خاص هر کشور.

۶- ملل عضو «کشورهای غیر متعهد» ضد امپریالیسم، ضد استعمار و ضد نژادپرستی بوده و طرفدار اجرای نوعی سیستم کمک اقتصادی به کشورهای رو به توسعه هستند.

بموجب صورتمجلس میباحاتی که در ماه ژانویه در شهر «پاترو و آردین» (یوگسلاوی) از طرف «مؤسسه سیاست و اقتصاد بین‌المللی» بلگراد بعمل آمده، نوشته شده: بعضی از کشورها این

تصور را از روابط بین‌المللی در بر گرفته‌اند تا از استقلال ملی خود دفاع کنند. بعضی دیگر به کشورهای غیر متعهد پیوسته‌اند تا از منافع ملی خود دفاع کنند. برای برخی دیگر عملی کردن این هدفها بیک نوع امتیاز گرفتن تبدیل شده که منظور آن بدست آوردن امتیازات از دو بلوک متضاد است و بالاخره بعضی از کشورهای جهان سوم امیدوارند که سیاست عدم تعهد آنها اجازه دهد که یک موقعیت برتر و نقش رهبری در منطقه محدود آنها ایفا کنند.

### نتایج کنفرانسها

حال باید دید که نتایج بدست آمده از کنفرانس غیر متعهدها تا چه حد آنها را غیر متعهد ساخته و توانسته عدم وابستگی آنها را تضمین کند. اولین خواست کنفرانس کاهن تضادهای موجود از روابط بین‌المللی که ناشی از تقسیم جهان است، بوده است، در صورتیکه تاریخ چنددهه اخیر نشان میدهد که تضاد ابرقدرت‌ها که بر سر منافع حاصله از غارت خلق‌هاست. نه تنها تقابل نیافته بلکه روز بروز گسترش یافته و جهان را به استانه یک درگیری بزرگ نزدیک کرده است. گسترش ابعاد و جنگ بین مصر و اسرائیل، فروش بی‌رویه اسلحه به این دو کشور، برخوردهای نظامی در آفریقا، جنگ سرد بین روسیه و آمریکا، بالا بردن قدرت سلاحهای اتمی، ایجاد پایگاههای نظامی در کشورهای وابسته، به‌یاد حمله گرفتن یکدیگر توسط وسایل ارتباط جمعی و بنگاههای سخن‌پراکنی وابسته و... همه نشانگر افزایش تضادهای ناشی از اعمال سیاستهای تجاوز گرانه ابرقدرت‌ها در سطح جهان می‌باشد. البته این درگیریها همانطور که قبلاً توضیح داده شد صرفاً مبتنی بر سیاستهای چپالگرانه این قدرت‌ها میباشد و گرنه زمانیکه منافعشان طوری گره بخورد که ایجاد وحدت ضروری گردد، حاضر به هر نوع همکاری نیز می‌باشد (بطور مثال شاخ آفریقا و نقش آمریکا و روسیه در آن).

دومین اصل که برطرف کردن اعمال زور و فشار و حل اختلافات بطریق مسالمت‌آمیز بود نیز به‌سرنوشتی مشابه دچار شد، آسیا کشورهای غیر متعهد تا بحال توانسته‌اند از اعمال زور و فشاری که بدست ۳۰ سال بر خلق فلسطین رفته جلوگیری کنند؟ آیا کشورهای غیر متعهد مانند مصر، سوریه، کوبا، و... توانسته‌اند مشکلات فلسطین را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنند یا خود در سرکوبی خلق، فلسطین و یا دیگر خلقهای جهان همچون آرتیریه سهم بسزایی ایفا کرده‌اند؟

آیا با وجود وابسته بودن کشورهای «غیر متعهد» به امپریالیسم میتوان انتظار داشت که در مقابل اعمال قدرت کشورهای سلطه‌گر مقاومت کنند یا خود عملاً ابراز اعمال سیاستهای آنان خواهند شد؟ از مهمترین اصولی که بر تصویب این نهضت رسید، منطبق کردن روابط بین‌المللی بر اساس تساوی حقوق ملل و احترام به تمامیت ارضی و حق و حاکمیت هر ملت در اداره امور خود بوده است.

لژوم برقراری چنین اصولی در سطح جهان، پیاده شدن آن در وهله اول توسط کشورهای عضو می‌باشد، اما آیا پیاده شدن نیروهای نظامی کوبا در آرتیریه و کشتار آزادیخواهان تجاوز و یا دخالت سوریه در مسائل فلسطین و حرکت‌های ضد فلسطینی‌اش و شرکت اردن و مصر در همکاری با امپریالیسم و صهیونیسم در نابودی انقلاب فلسطین و دخالت مغرب در تعیین سرنوشت صحرای غریب و دخالت امپریالیسم آمریکا بوسیله اسرائیل غاصب در کشورهای عربی و یا نفوذ شدید روسیه در ویتنام و کوبا، هیچکدام منطبق بر این اصل مهم که به تصویب اولین کنفرانسها رسیده، میباشد یا نه؟ جواب خیلی روشن است تمام این تصویبنامه‌ها چیزی جز حروف جایی بر روی صفحات کاغذ نیست و در اصل «تساوی حقوقی»، «تمامیت ارضی» هیچگونه تأثیری ندارد و این خلقهای جهان هستند که زیر سلطه امپریالیسم جهانی در حال جان دادن

جالب است که یکی از اصولی که کشورهای غیر متعهد ملزم به اجرائی آن هستند، اصل ضد امپریالیستی - استعماری و نژادپرستی می‌باشد. اما تا بحال چقدر موفق به اجرای این مهم شده‌اند. آسیا کشورهای عربی و آفریقای و با آسیایی که تغذیه اصلی خود را از کشورهای امپریالیستی بخصوص آمریکا می‌کنند و سالانه میلیاردها دلار خرج خریدن اسلحه می‌کنند و روز بروز بیشتر به ابرقدرت‌ها وابسته می‌شوند، ضد امپریالیست هستند؟ بعضی از کشورهای غیر متعهد چون مصر بارها فراتر نهاد، و عملاً عامل اجرای سیاستهای امپریالیسم آمریکا در منطقه می‌باشد. و با کشور صهیونیستی اسرائیل که سالهاست بعنوان عامل امپریالیسم در منطقه عمل می‌کنند روابط «دوستانه» برقرار می‌کنند و اسرائیل را در پیاده کردن سیاستهای ضد انسانی امپریالیسم آمریکا یاری میدهد و یا خود در سرکوبی مستقیم فلسطینی‌ها که سالها برای آزادی و حقوق قلمه خود که یکی از نتایج تأکید شده در کنفرانس غیر متعهدها می‌باشد، شرکت می‌جوید. آسیا تمام کشورهای شرکت کننده در کنفرانس، نژادپرستی را عملاً نفی می‌کنند؟ و با کشورهای ای قبیل آفریقای جنوبی همچونگه رابطه‌ای ندارند؟

مسئله اساسی که سبب در مقابل حرکت شده و می‌گذارد کشورهای غیر متعهد دست بیک همکاری بین‌المللی بزنند، چیزی جز وابسته بودن اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عضو به ابرقدرت‌ها نمی‌باشد. کشورهای سرمایه‌داری و «سوسیالیستی» آنچنان کشورهای عقب نگه‌داشته شده را در بند سیاستهای ضد انسانی خود گرفته‌اند که ناچاراً نمیتوانند چیز خواست ابرقدرت‌ها سیاست دیگری اتخاذ کنند. و بنا بر این جلسات کنفرانس تبدیل به‌منازعات کوبا، ویتنام، افغانستان و... از یکسو و مصر، اردن و دیگر کشورهای عربی و بعضی کشورهای امریکای لاتین از سوی دیگر که هر کدام سیاستاً و منافع ابرقدرت‌ها را دنبال می‌کنند و البته انتظار دیگری از کشورهای که از هر لحاظی وابسته به امپریالیسم جهانی می‌باشند، نمیتوان داشت.

و اینجاست که این وابستگیهای کنفرانس را به میدان تاخت‌و تاز ابرقدرت‌ها تبدیل می‌کنند. فیدل کاسترو که از سران کشورهای غیر متعهد است و در ضمن میهماندار این نشست می‌باشد، اولین رسالت خود را در حمله به آمریکا و چین می‌داند و در حقیقت در گریزهای چندین ساله چین و شوروی و آمریکا را به جلسات کنفرانس می‌کشاند و در عمل «تعهدات» خود را نسبت به شوروی و ملاً می‌سازد و از طرف دیگر کشوری که کوبا را تأیید می‌کند کفر دیگر شوروی یعنی ویتنام که تجربه سالها وابستگی اقتصادی - نظامی به روسیه را پشت سر گذاشته، مهر تأیید بر عمل کاسترو می‌گذارد.

کاسترو در این سخنرانی با یادآوری نام دو کشور چین و آمریکا می‌خواهد متذکر شود که چین در دامان امپریالیسم آمریکا قرار گرفته و جبهه جدیدی را در مقابل روسیه در سطح جهان تشکیل داده‌اند و در اینجاست که تیتو، کاسترو را به عنوان اعتراض به سخنرانی شدیداللحن او به‌یاد انتقاد می‌گیرد، چرا که در حقیقت کاسترو از مسئله اصلی که همان غیر متعهد بودن می‌باشد خارج و در واقع نشان میدهد تا چه اندازه در برابر شوروی «متعهد» است (البته مخالفت با امپریالیسم آمریکا با سیاست کشورهای مختلف فی‌نفسه درست است ولی، باید دید با چه نگرش انجام می‌گیرد).

مسئله دیگری که از یک همکاری و تشکیل یک جبهه واحد در مقابل دو قطب جهانی شرق و غرب صحبت می‌کنند، در عمل به‌سوت فراموشی سپرده شد و اختلافات ابرقدرت‌ها و کشورهای وابسته به آنان بحث اصلی کنفرانس را تشکیل میدهد و به مخالفت با آمریکا بخاطر طرفداری از روسیه یا بالعکس تبدیل می‌گردد.

میان الجزایر و مغرب بخاطر جنگهای استقلال طلبانه صحرای غریب و جبهه بولیاریو اختلافات عمیقی وجود دارد، بین مصر و سوریه و لبی بخاطر فلسطین و موضعگیری در برابر اسرائیل و آمریکا اختلافات چشم‌گیری بوجود آمده است، ما بین هند و پاکستان هر چند یکبار مناقشاتی صورت می‌پذیرد و یا اختلاف سلیقه‌ها و بینش‌های موجود در آفریقا (که باز هم منشأ آن سرمایه‌دارها هستند) و هزاران اختلاف دیگر که اکثر انسانی از همان وابستگی‌هاست، همگی مانعی برای تشکیل یک نیروی جهانی در برابر ابرقدرت‌ها شده است. و

### دکتر محمد نخشب

## بنیانگذار مبارزه سیاسی بر مبنای جهان‌بینی اسلام

در صفحه دوم یک سخنمان قدیمی که هور هدی پاریجا است اجازه شد در چشم‌پهردنی تعداد برادران تقریباً به یکصد و سیصد نفر رسید. حالا دیگر نهضت آزادی مرده ایران برای خودش یک حزب شده بود و ضمن ارائه سخنرانی‌ها بعد معصوم سبخت در روزنامه‌های زمان در صحنه سیاسی به عرض ادم پرداخت. محمد نخشب وارد صحنه سیاسی شده بود و در هیچک از خصوصیات او سه سیاستمدار و حزب‌بازها شباهتی نداشت هیچ‌یک که گشت، راستی و صراحت و پاک‌ی و اخلاق اسلامی خویش را در روابط سیاسی حفظ میکرد و بعضی دوست‌ش را که در این روابط متوسل به رنگی میشدند سخت مورد نکوش قرار میداد.

در میان احزاب سیاسی بشمار آمران فقط رهبران حزب ایران بودند که از شهرت سیاسی خوبی برخوردار و تعدادی از رهبرانشان سیر عملاً معتقد به اسلام بودند. «نهضت» سریع‌الزمن نخشب به یک میدان وسیع‌تر نیاز داشت و پس از تبادل نظر فراوان فرقه نال بنام حزب ایران افتاد. دیری نپایید که معلوم شد حزب ایران تحمل حضور عده‌ای جوان رزمه‌خستگی ناپذیر را ندارد. «نهضت‌ها» میدان را به‌خوبی ایرانی‌ها واگذارند و خود یا تشکیل «حزب مردم ایران» مبارزه سیاسی خود را بر پایه جهان‌بینی شویج ادامه دادند.

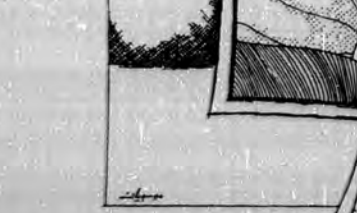
ادبیات اسلامی در آنزمان بسیار محدود بود و تحقیق و تفحص بگونه امروزی رواج نداشت. لذا محتوای مطالعه و مباحثه روز آثار مارکسیستی بود که در درجه اول و در نوشتجات نخشب با حربه اخلاق و معنویت اسلام مورد حمله قرار میگرفت. از اولین آثار نخشب کتاب «نا تممن و اخلاق» بود. در این کتاب نخشب کوشیده اخلاق را تنها مایه حرکت و زندگی انسان معرفی کند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و بارها زندانی شدن نخشب به ادامه تحصیلات پناه برد، او که لیسانس حقوق بود فوق لیسانس علوم اداری را در برنامه‌ای که از طرف سازمان ملل متحد ترتیب داده شده بود بدست آورد و چون شاگرد اول شده بود یک بورس دکتری در علوم اداری از همان سازمان دریافت داشت و روانه آمریکا شد. ضمن تحصیل با استخدام سازمان ملل متحد در آمد و با دختری از سوریه در نیویورک ازدواج کرد. زندگی نخشب در آمریکا مشحون از مبارزه و کوشش بود و بهین سبب سالها متوجه ورود به ایران قلمداد شده بود، خانه نخشب در نیویورک که تا چندین پیش فقط از یک اطابق تشکیل میشد مرکز تجمع مبارزان مسلمان مقیم آمریکا بود؛ او در کمک به نهضت فلسطین خستگی ناپذیر بود و از جهت مادی و معنوی به‌عده‌ای از فعالان دوست موقت فعلی کمکهای مستمر نموده و در روزهای تاریک به کمک آنها شناخته بود.

نخشب در سالهای آخر عمرش از شدت اختناق ایران بسیار اندوهگین و دل‌سرد شده و در صدد شروع تحقیقاتی در زمینه علوم اسلامی بود که فرصتی نیافت.

حزب مردم ایران بعثت اشعاب به‌سازمانهای زیر زمینی سیاسی و چریکی در سال ۱۳۴۶ به تعطیل انجامید، جاما و جنبش مسلمانان مبارز دنیاساله همان فعالیت است.

در مقام برادر و معلم و پیشقدم روان پاکش آرزیده باد.



# شروع صدور اسلحه‌های ساخت آمریکا به ایران

نیویورک تایمز واشنگتن و ۲۳ اوت - مسئولین وزارت دفاع امروز اعلام کردند که کابینه کارتر در حال گفتگو با دولت ایران درباره شروع صدور سفایر متناهی اسلحه‌های ساخت آمریکا به ایران بوده است.

مقامات رسمی اعلام کردند مسئولین در تهران که اکنون با شورش کردها در غرب ایران و ناراحتی‌های سیاسی در جاهای دیگر روبرو هستند، بتازگی اظهار علاقه نشان داده‌اند که قراردادهایی برای خرید قطعات برای ۵ میلیارد دلار اسلحه و لوازم نظامی که توسط دولت محمدرضا پهلوی دستور داده شده بود، امضا کنند.

آنها گفتند تقریباً چهار هفته پیش مقامات رسمی سفارت آمریکا در تهران گفتگوها را با ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه در مورد تحویل لوازم آغاز کردند. این گفتگوها در ضمن شامل قطعات بدکی برای لوازم آمریکایی بود که در حال حاضر در ایران میبایست، مهمات و هلیکوپترهای جدید و توپخانه نیز در این گفتگوها مورد بحث قرار گرفت.

## جنگ‌افزارها جدید آمریکا نی برای اسرائیل

واشنگتن ۲۳ ۷۹۹۳ - وفا  
خبرگزاری آسوشیند پرس به نقل از منابع کاخ سفید گفت: محموله‌ای از تسنکها و سایر جنگ‌افزارهای آمریکایی به بهای یک بیلیون دلار هم‌اکنون بطرف اسرائیل ارسال شده است. سخنگوی کاخ سفید گفت: آمریکا در آینده کمکهای بیشتری به اسرائیل خواهد کرد.

## دیدار سادات با بگین

فلسطین اشغالی ۲۳ ۷۹۹۳ - وفا  
سادات برای دیدار با دوستش ترویست بگین به فلسطین می‌رود تا گامهای خود را علیه ملت فلسطین همانک کنند. آنها با هم برای نابودی ملت ما که توسط نیروهای اسرائیلی اجرام میشود طرح‌ریزی کنند. بگین اظهار امیدواری کرد که مذاکراتش با سادات که در مورد کلیه مسائل منطقه است دوستانه باشد. سادات در این مذاکرات مسئله اعطای نفت به اسرائیل را نیز در میان خواهد گذاشت. سادات چهارم صاه جاری همراه هیئت مرکب از سرلشکر کمال حسن علی و معاون نخست‌وزیر حسن تهامی و رئیس دفنر ریاست جمهوری حسن کامل و اسامه سباز به اسرائیل می‌رود.

## تأسیس آبادیهای جدید یهودی نشین

فلسطین اشغالی ۲۳ ۱۹۷۹ - وفا  
بگزارش رسیده دولت اسرائیل و شرکت صهیونیستی مربوط به مسائل اقتصادی تصمیم به ایجاد چهار کیبوتز صهیونیستی در نابل و فلسطین گرفت. کمیته تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین قصد دارد بنا به خواست یهودیان، مناطق کشاورزی نیز، در منطقه بوجود آورد. از سوی دیگر مقامهای صهیونیست تصمیم گرفتند آبادی سلفیت واقع در کرانه باختری را از پایگاه نظامی بصورت آبادی مسکونی تبدیل کنند. این اولین مستعمره‌ای است که بوسیله نهضت صهیونیستی سیروت در شمال کرانه غربی ساخته میشود.

## ابوعمار: سادات فلسطین را در برابر مشت‌های شما فروخت

وفا -  
در کنفرانس هوانا، برادر ابوعمار گفت: سادات با رفتن به اسرائیل اصول جنبش غیرمتعهدها را زیر پا گذاشت و مسئله فلسطین را در برابر مشت‌های شما فروخت سیس.

## خشم عمومی در سرزمینهای اشغالی

بگزارش رسیده در اثر اقدام صهیونیستها به بستن دانشگاه تربیت معلم در رام‌الله خشم عمومی سراسر سرزمینهای اشغالی را فرا گرفته است. مقامهای صهیونیست از ادامه تحصیل دانشجویان سال دوم دانشگاه و قبول امتحانات آنها خودداری می‌کنند.

مقامهای صهیونیست به دنبال خورنهای عمومی مرده علیه توطئه‌های خودمختاری و علیه اقدامات فاشیستی و نژادپرستی صهیونیستها برای مصادره زمینها اقدام به بستن دانشگاه‌های تربیت معلم و دبیرستانهای رام‌الله کردند.

## تظاهرات داخل فلسطین علیه اسرائیل

فلسطین اشغالی ۲۳ ۷۹۹۳ - وفا  
بگزارش رسیده، شهر وندان فلسطینی و شخصیتهای تریقخواه یهود علیه دخالت «اسرائیل» در جنوب لبنان و یورشهای وحشیانه به مردم بی‌دفاع لبنانی و فلسطینی دست به تظاهرات زدند.

از سوی دیگر یک یهودی دموکرات یوسف سریدان گفت: دولت بگین نمی‌داند منظوروش از دخالت در لبنان چیست؟

جنوب لبنان بطور کور کورانه از راه دریسا و زمین و هوا با انواع سلاحهای مدرن بمباران میشود و معلوم نیست این بمبارانها بسود چه کسی است. وی افزود بمباران اسرائیلی شهرها و روستاهای لبنان و اردوگاههای فلسطینی که برای حمایت از سعد حداد دست نشانده بگین صورت میگردد به هیچ وجه قابل توجه نیست.

## صهیونیستها مانع رسیدن آب به فلسطینها هستند

فلسطین اشغالی ۲۳ ۱۹۷۹ - وفا  
بگزارش رسیده مقامهای صهیونیست هم‌اکنون مشغول تعمیر جاهای آرتزبان در شهر نابل هستند تا آب آشامیدنی پادگانهای ارتش صهیونیست و آبادیهای یهودی نشین منطقه نابل را تأمین نمایند. این تسهیلات در شرایطی صورت میگردد که صهیونیستها به فلسطینها اجازه نمیدهند از آبهای اراضی خود بهره‌مند شوند و هم‌اکنون خود شهر نابل دچار بی‌آبی است.

این عمل بمنظور اعمال فشار جهت وادار ساختن فلسطینیها برای مهاجرت انجام میشود.

## بمبهای انقلابیون بر صهیونیستها

دمشق ۲۳ ۷۹۹۴ - وفا  
اطلاعیه نظامی شماره ۸۹/۱۴۱ یکی از انقلابیون شب گذشته با بمب دستی به یک اتوبوس نظامی صهیونیستها هنگام عبور از یکی از خیابانهای نابل حمله کرده و عده‌ای را کشته و زخمی کردند بدنبال این حادثه نیروهای پلیس منطقه را محاصره و منع عبور و مرور اعلام کردند ولی رزمندهای که عمل انقلابی مزبور را انجام داده بود به سلامت به پاسگاه خود برگشت.

از سوی دیگر یک سخنگوی نظامی صهیونیست گفت: انقلابیون فلسطینی از ۱۳ ژوئن تا پایان ماه گذشته مسیحی ۲۵۳ عملیات انقلابی و

انفجار بمب در فلسطین اشغالی صورت گرفته و ۱۹ نفر کشته و ۴۰۰ تن دیگر زخمی شده است و همچنین ۹۱ عملیات چریکی در بیت‌المقدس انجام شده و در حملات چریکیها به آبادیهای یهودی نشین یا صهیونیست کشته و ۳۱ تن نظامی زخمی شده‌اند.

## موضع نخست‌وزیر ویتنام

در سومین روز مجمع سران کشورهای غیرمتعهد رهبران دول مختلف در طی نطقهای مواضع خود را اعلام داشتند.

(تان‌رنگ‌دنگ) - نخست‌وزیر ویتنام در سخنرانی طولانی از کلیه نیروهای آزادیبخش پشتیبانی کرد ولی از انقلاب ایران هیچ اسمی نبرد و تنها در یک جمله به سقوط رژیم پهلوی اشاره کرد. ولی در مقابل از رژیم افغانستان به عنوان یک دولت انقلابی پشتیبانی کرد.

## یکی از رهبران عالی مسلمانان افغانستان کشته شد

لوموند ۵ سپتامبر  
به هنگام هجوم سربازان دولتی، در تاریخ ۲۸ اوت، رئیس مجاهدین (سبازان مسلمان) آقای - (اسدالله ولی جهاد) و چهارتن از معاونان او کشته شدند.

در این حال نیروهای دولتی ضربات سنگینی متحمل شدند، از طرف دیگر شورشیان ۳ میگ ۲۱ و چندین هلیکوپتر را سرنگون کردند.

شورشیان مسلمان یک جاده استراتژیک که کابل را به مزار الشریف وصل میکند، قطع نموده، این جاده در ۱۲۰ کیلومتری شمال پایتخت قرار داشته، و این جاده است که بوسیله آن وسایل نظامی شوروی و مواد سوختنی برای عملیات نظامی به دولتیان میرسد.

## قتل رهبر سیاه آفریقای جنوبی

آفریقای جوان - ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ -  
داوید سبیکو، وزیر امور خارجه بان آفریقا لنگرس (PAC) ۱۲ ژوئن در دارالسلام بقتل رسید. انگیزه قتل آن هنوز روشن نشده است.

بر طبق اظهارات مسئولین تانزانایی، قاتلین عواملی از آفریقای جنوبی بوده‌اند که در گذشته از جنبش تصفیه شده‌اند. این مسئولین تاکنون در داخل PAC مبادرت بدستگیری دهها نفر کرده‌اند.

اما این سوءمقصد می‌تواند نتیجه خصومتهای داخلی باشد که میان جهت‌گیری کمونیستی رهبری (PAC) با رهبری گذشته بوجود آمده است.

رهبری گذشته بوسیله (پوتاکولوبالو) بوده که در ماه مه از مقامش استعفا داده و از آن هنگام در عراق زندگی میکند.

## چین: کاسترو تخم نفاق میپاشد

توکيو - اسوشیندپرس -  
خبرگزاری رسمی «چین‌سو» گفت که فیدل کاسترو رهبر کوبا در نطق افتتاحیه اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد سعی کرده است که در جنبش غیرمتعهدها تخم نفاق بپاشد. در این گزارش همچنین آمده است که کاسترو بدلیل وابستگی شدید به اتحاد شوروی که خود یکی از ابرقدرتهاست، نمی‌تواند ادعای غیرمتعهدی داشته باشد. و عملاً اصول اولیه کشورهای غیرمتعهد را زیر پا گذاشته است.

## اقدام «اشرف» علیه رژیم جدید ایران

آفریقای جوان - ۵ سپتامبر ۱۹۷۹  
اشرف پهلوی اقدام به استخدام دو وکیل فرانسوی برای دفاع از منافع فامیل شاه سابق در سراسر جهان کرده است.

بقیه از صفحه ۷

# «غیر متعهدهای متعهد»

### تلاش ابر قدرت‌ها برای جنگ انداختن به جنبش غیر متعهدها

ایتر ابرقدرتها سخوی در ساقته‌اند و با اعمال سیاستهای ضد خلقی خود همواره در صدد ایجاد تشت در صفوف کشورهای «غیر متعهد» به ابرقدرتها بوده‌اند. چه این اتحاد حتی در سطح اولیه برای آنان بسیار گران تمام خواهد شد و حداقل آن اقلی سیاستهای آنان برای خلق‌ها می‌باشد. و اگر روزی کشورهای غیر متعهد به ابرقدرتها و متعهد نست بیکدیگر بتوانند طبق اصول متعده روابط حسه‌ای که در برگیرنده روابط اقتصادی - سیاسی بین آنها باشد بوجود آورند، ضربه‌ایست که ابرقدرتها را به‌ترا خواهد کشانید. و بادبانه‌روی از چنین سیاستی میتوان تا حدودی بسیار مشکلات خود را بدون وابستگی به کشورهای سرمایه‌داری حل کنند و دست جهاتحواران شرق و غرب را از کشورهای خود کوتاه کنند و منافع امپریالیسم را بخطر افکند. بهمین منظور ابرقدرتها می‌کوشند تا با هر چه بیشتر وابسته کردن و ایجاد تضادهای فرعی بین کشورهای عقب نگهداشته شده از ایجاد و اتحاد بین کشورهای فوق جلوگیری بعمل آورند. تا هم در سیاست جهانی وجهه خود را از دست ندهند و هم منافع اقتصادی خود را که همان یافتن بازار برای فروش تولیدات اقتصادی نظامی خود داشته باشند، گدزی بر کنفرانس‌های گذشته «غیر متعهدها»

اولین تجمع کشورهای غیر متعهد در شهر «بان‌ونک» از تاریخ ۱۸ تا ۲۰ آوریل ۱۹۵۵ با شرکت ۲۹ کشور تشکیل شد. هدف از این گردهمائی سرعت بخشیدن و یاری به جنبش‌های آزادیبخش در کشورهای تحت سلطه بود و دیگر روشن شدن موضع کشورهای شرکت کننده در قبال مسئله اعراب و اسرائیل بود.

گذاری بر کنفرانسهای گذشته «غیر متعهدها»  
اولین کنفرانس در بلگراد تشکیل شد که شامل ۲۵ کشور بود. از خصوصیات برجسته این کنفرانس شرکت در ابر قدرت شوروی و آمریکا بود. در این کنفرانس جنگ سرد محکوم شناخته شد و از سازمان ملل متحد خواسته شد تا کمیونی به نفع کشورهای در حال توسعه مرکب از اعضای آن سازمان تشکیل شود.

دومین کنفرانس در قاهره پایتخت مصر از تاریخ ۵ تا ماه اکتبر ۱۹۶۴ با شرکت ۴۷ کشور تشکیل شد.

سومین کنفرانس در «لوزاکا» ۸ تا ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۰ با شرکت ۶۱ کشور تشکیل شد.

چهارمین کنفرانس در الجزایر از ۴ تا ۹ سپتامبر ۱۹۷۳ یعنی سه سال بعد از آخرین کنفرانس با اضافه شدن ۱۴ عضو و رسیدن به ۷۵ کشور عضو تشکیل شد. از ویژگیهای این کنفرانس حضور ۶ کشور آمریکای لاتین بعنوان عضو بود. کنفرانس «کلمبو» که پنجمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد بود از ۱۶ تا ۱۹ اوت ۱۹۷۶ با شرکت ۸۴ کشور تشکیل شد، یکی از برجستگی‌های کنفرانس عضویت کامل سازمان آزادیبخش فلسطین در کشورهای غیر متعهد بود.

## گذشته «غیر متعهدها»

ششمین کنفرانس متعده در هوانا اسامال با شرکت بیش از صد کشور تشکیل شد. در دوران بحرانی امروز موضع گیری این کنفرانس تعیین کنندگی چشم گیری در روند حرکتی این نوع مجامع دارا می‌باشد. همانطور که صحبت شد در کلیت عدم وابستگی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس زیر سؤال میباشد. چرا که امروزه بخاطر اتخاذ و سیاستهای ضد خلقی از جانب ابرقدرتها شانس سالم ماندن سیاست کشورهای عقب نگهداشته شود بسیار کم می‌باشد و خواه ناخواه زیر نفوذ امپریالیستی ابرقدرتها قرار گرفته‌اند.

اما امروزه باز هم بعنوان یک حربه سیاسی در دست کشورهای «غیر متعهد اصیل» این کنفرانس حائز اهمیت می‌باشد، چرا که امروزه مسئله خلق

خواهر شاه سابق تصمیم گرفته است با انتخاب «مارک‌وال» و «پرلمن» جنگ خود را علیه رژیم جدید ایران و امام خمینی از سر گیرد.

آخرین شماره از مجله «شماره ۲۳»  
چهارشنبه ۲۱ شهریور  
۱۳۵۸ سال اول  
زیر نظر:  
شورای نویسندگان امت  
خیابان بهار شمالی نش خیابان نامجو  
۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱  
چاپ شرکت است جمهوری

بقیه از صفحه ۱

# اطلاعیه

کند. در اوج پاسها از ست خدای سخن میگفت که سر پیروزی حق و عدل رقم‌زده است در حالی از میان ما رفت که خلق مستضعف ما به او سخت نیازمند بود. رفت آزادگان - یونندگان راستین راه حق قسط و شاگردان خود را تنها گذاشت - ولی صداقت خود را هم به میراث نهاد - آنگاه گرم او که قرآن می‌آورد - درس مبارزه و مقاومت میدهد که بر خودخواهیها - فربیها نفاق و دشمنیها - خرده میگردد - در گوش همه ما طنین افکن است.

بمحبوش سوگند راهش را ادامه میدهم - آموزشهایش را در گوش و پیرو فرانش را قسرا راه مبارزه و رسالت تاریخی خود قرار میدهم.

شهادتش را به همه مستضعفان - ملت مهران ایران - ادامه دهندگان راهش و به امام خمینی تسلیت میگوئیم.

جنبش مسلمانان مبارز  
۵۸/۶/۹۹

# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع